





سرشناسه: عباس زاده پهلوان، امیر، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور: گل پوش / مولف امیر عباس زاده پهلوان.
مشخصات نشر: مشهد: امیر عباس زاده پهلوان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۸۸ ص: مصور (رنگی)، عکس؛ ۱۲×۱۷ س.م.
شابک: ۰-۰۵۹۶-۰۴-۶۰۰-۹۷۸: ۴۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع: حجاب- ایران- جنبه های جامعه شناختی
موضوع: انحراف اجتماعی- ایران
موضوع: حجاب- ایران- جنبه های اجتماعی
موضوع: حجاب- جنبه های مذهبی- اسلام
رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۲ گ ۲ع / ۱۷ / ۲۳۰ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۶۳۶۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۰۴۷۲۶

نام کتاب: گلپوش
مؤلف: امیر عباس زاده پهلوان
ناشر: مؤلف
همکاران تحقیق: حجج اسلام عبدالحمید صادقی و سید فتاح امیدخدا، خانم دوست خواه
نوبت چاپ: پنجم، اسفند ۱۳۹۳
صفحه آرا: یگانه طلوع
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۰۰۰ تومان
شابک: ۰-۰۵۹۶-۰۴-۶۰۰-۹۷۸

(تذکر: این کتاب به زبان محاوره ای نوشته شده است)
کلیه حقوق متعلق به ناشر مؤلف می باشد

مرکز پخش:

مشهد- خیابان امام رضا (ع) (۱۰)- کوچه اول سمت راست-
مؤسسه تخصصی امام سجاده (ع) - کارگروه گلپوش
کدپستی: ۹۱۶۶۷-۱۵۵۶۱ تلفن: ۰۹۱۰۵۷۸۵۷۷۴
golposh۲@gmail.com

لطفاً نظرات و انتقادات و پیشنهاداتتون رو به سامانه پیامکی به شماره
پیامک کنین.

فهرست

- ۹ واقعاً کدام نحوه لباس پوشیدن درسته؟
- ۱۱ از نگاه علم
- ۱۱ چی پیش میاد؟



دسته اول؛ مجردای سست ایمان ۱۶

- ۱۶ در اونجا چشمم به دخترای زیادی می افتاد ...
- ۱۸ حواسا جمع! پسرا حاضر نیستن ...
- ۱۹ شاید دختری حاضر باشه که ...
- ۲۰ آزار و اذیت اما به اسم دوستی یا ازدواج
- ۲۱ شاید هیچ قصدی ندارن، ولی ...



دسته دوم؛ افراد هرزه و لائالی ۲۲

- ۲۲ سرکوجه ها و چهارراه ها داره چه اتفاقی می افته؟
- ۲۳ شما میگی بهش بگیم نگاه نکنه؟
- ۲۴ ماشینایی که جلوی دخترا بوق می زنن
- ۲۵ کیا بیشتر مورد آزار و اذیت قرار می گیرن؟
- ۲۵ چراغ سبز!
- ۲۵ ماجرای میدان آزادی تهران
- ۲۶ تو آمریکا چه خبره؟

۲۸ دادگاه محاکمه برای این آدم کثیف میذارن؟

۲۹ اما روحیه از دست رفته و ...



دسته سوم؛ مردهای ازدواج کرده اما سست ایمان ۳۰

۳۱ مرده رفته تو خیابون و چند نفر خوش تیپ تراز خانومش رو دیده

۳۱ آره! مرده چونکه چند تا زن خوش تیپ تراز خانوم خودش رو دیده

۳۲ میگی: مردا نباید نگاه کنن؟

۳۳ من که خوش تیپ کردم

۳۳ آیا احتمال نمیدم شوهر من هم

۳۴ از هر دست که بدی، با همون دست پس می گیری!

۳۵ اگه تصمیم بگیره دیگه اون کار رو انجام نده

۳۵ قانون نانوشته، قانونی بین همه زن و شوهرها

۳۷ «لیندزی کان» میگه:



دسته چهارم؛ بقیه مردا و جوونا ۳۸

۳۸ قوانین دانشگاه های اروپا و آمریکا

۳۸ دانشگاه تگزاس آمریکا (Texas)

۳۹ دانشگاه آکسفورد (Oxford)

۳۹ دانشگاه مری واشنگتن (Mary washington)

۳۹ دانشگاه گرین ویل شمالی آمریکا (North Greenville)

۴۰ موقع کار چی پیش میاد؟

۴۱ بعضیا میگن: توی غرب همه چیز طبیعی و مشکلی نیست

۴۳ چرا به مردا چیزی نمی گین؟

۴۵ طلافروش و دزد

- دیوار بلند. لازمه؟ ۴۷
- دلت پاک باشه ۵۰
- ماجرای ماهیچه پلک چشم ۵۱
- همین خدا گفته ۵۲
- کجای قرآن اومده پوشش واجبه؟ ۵۳
- اصلاً هر کسی رو توقیر خودش میذارن! ۵۴
- نهایتاً صد سال ۵۵
- صحنه های دردناک ۵۶
- بر فرض که خدا ببخشه، حق الناس رو چه کار کنم؟ ۵۷
- ای بابا؛ خدا مهربونه و می ببخشه! ۵۷
- تا ابد خوش می گذرونن و لذت می برن ۵۸
- حیفه که همین يك نکته مهم رو رعایت نکنن ۵۹
- کدوماشون؟ ۶۰
- اصلاً مسئله شرعی حجاب چیه؟ ۶۰
- مانتو؟ ۶۱
- هر کسی چادری بود، حجابش درسته؟ ۶۲
- کدوم چادریا، حجابشون صحیحه؟ ۶۲
- کدوم چادر خوبه؟ چادر ملی یا چادر...؟ ۶۳
- قابل توجه چادریا ۶۳
- چادر، با رنگ مشکی؟ ۶۳
- چرا حتی یک تار موی خانوما نباید بیرون باشه؟ ۶۵
- کجا حواسا باید بیشتر جمع باشه؟ ۶۶
- جلوی مَحَرَمَا، چه جوری؟ ۶۶
- حجاب زبان و رفتار ۶۷
- باید زن رو از زیر چادر بیرون کشید! ۶۸
- باید بر سر مسلمان ها به جای بمب، دامن های کوتاه فرو بریزیم ۶۹

۶۹	احساس امنیت
۷۰	مسئله شرعی اینا چیه؟
۷۰	چون فامیلیم، محرمیم دیگه؟
۷۱	لباس تنگ و تحریک کننده؟
۷۱	چهره آرایش کرده؟
۷۱	اگه شوهرم یا پدر و مادرم به من بگن بیرون آرایش کن؟
۷۱	چادر نازک و بدن نما؟
۷۲	حکم شرعی جوراب نازک و شیشه ای؟
۷۳	این چیه رو سرت گذاشتی؟
۷۶	گوهرهای آسمانی
۷۶	لباس اندام نما؟
۷۶	لباس تنگ و چسبان؟
۷۷	لباس نازک؟
۷۷	بوی خوش؟
۷۷	فرشته ای از فرشتگان
۷۸	عنایت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ به یک زن محجبه
۷۹	محکم در راه حجاب
۸۰	اون همه تمسخر، برام خیلی سنگین بود
۸۲	مقنعه ام فرق سرم بود
۸۳	نصف موهام از جلو بیرون بود و نصفش از پشت سر
۸۶	حرف آخر
۸۸	توجه؛ کارگاهی جذاب با حضور همه فکرها

واقعاً کدوم نحوه لباس پوشیدن درسته؟

مانتویی که دیروز با خواهرم تو بازار دیدم قشنگ بود ها، فکر می‌کنم رنگش خیلی جیغه ولی یکی می‌گفت: مگه چه اشکالی داره؟
نمیدونم، البته من اگه بیوشمش برای زیبایی خودم می‌پوشم نه برای به انحراف کشوندن دیگران.

دوستم چادریه، خواهرم مانتویی و کمی آرایش می‌کنه، دختر خاله‌م هم آرایش می‌کنه و هم مانتوی تنگ می‌پوشه. من هم، خداییش همه‌شون رو دوست دارم. ولی واقعاً کدوم نحوه لباس پوشیدن و راه رفتن تو خیابون درسته و به چه علت؟



سلام؛

خیلی‌ها هستن که مثل این دختر خانومی که جملاتش رو خوندین، دنبال حقیقتن و واقعاً میخوان بفهمن پوشش درست کدومه.

ما اینو می‌دونیم که خیلی از کسانی که اهل آرایش کردن و مانتوی تنگ پوشیدن تو خیابون هستن، از این نحوه پوشش شون قصد بدی ندارن و اونا هم دنبال راه درست هستن. ما سعی کردیم توی این کتاب، بانگاهی منصفانه جواب این سوال مهم رو پیدا کنیم که «واقعاً کدوم نحوه لباس پوشیدن و راه رفتن تو خیابون درسته و به چه علت؟» پیشنهاد می‌کنیم اگه دوست دارین به جواب این سوال مهم دست پیدا کنین، سیر کتاب رو از اول تا آخر پیگیری کنین.



از نگاه علم

چی پیش می‌آد؟

در ابتدا به يك مطلب علمی دقت كنين. از لحاظ علمی، جنس مذکر، هر جورش، جوون یا میانسال، چشمشون بیفته یا بندازن، به دخترا و خانوما، مانتویی یا چادری، به چی شون؟ به موهای بیرون اومده یا رنگ شده شون، یا به چهره آرایش کرده شون، یا به لباسهای تنگ و اندام نماشون که اعضای بدنشون رو برجسته می‌کنه، یا به ساق دست یا پاهای بدون پوشش شون، یا به مانتوهای کوتاه یا چاک دارشون.

چی پیش می‌آد؟ از لحاظ علمی تحریک میشن.

افراد زیادی هستن که این مطالب رو تأیید می‌کنن.

مثلاً دکتر مارکس لوشر که نویسنده کتابه میگه:

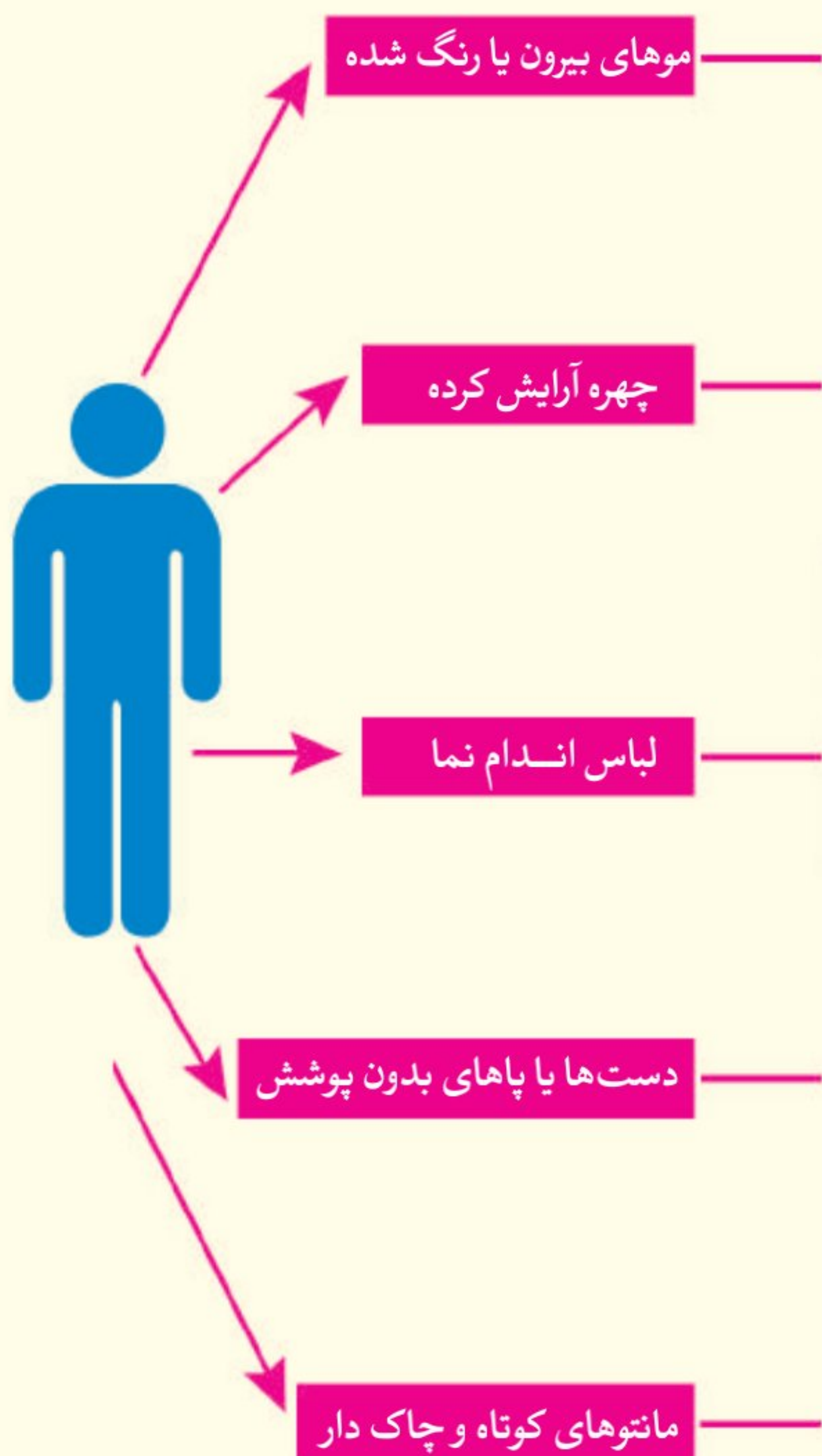
اگه یه زن، برجستگی‌های بدنش رو به وسیله لباسش نشون بده، مردی که اون رو می‌بینه این تصویر رو تعمیم میده (البته یک عده از مردها و نه همه شون) اینجاست که نشان دادن برجستگیهای بدن با لباس، از نگاه مرد، همان (مثل) عریان بودن زنه.^۱

این می‌دونین یعنی چی؟

یعنی تحریک يك مرد!

۱- روانشناسی رنگها، ص ۶۵ به نقل از حریم ریحانه





بسیار خفیفی که ایشون میگه، یعنی چی؟

فکر می‌کنم جالب باشه اگه صحبت‌های دکتر مایک ماتیوس رو که برای دخترا و خانوما گفته براتون بگم. این آقا روان‌شناس مرکز مشاوره‌ی «عشق حقیقی» در هوستون آمریکاست. اون میگه:

خودآگاه یا ناخودآگاه، اگه خود را از نظر جنسی، آشکار نمایش دهید، حتی بسیار خفیف، بسیاری از مردان بدن شما را برای لذت بردن طلب خواهند کرد.^۱

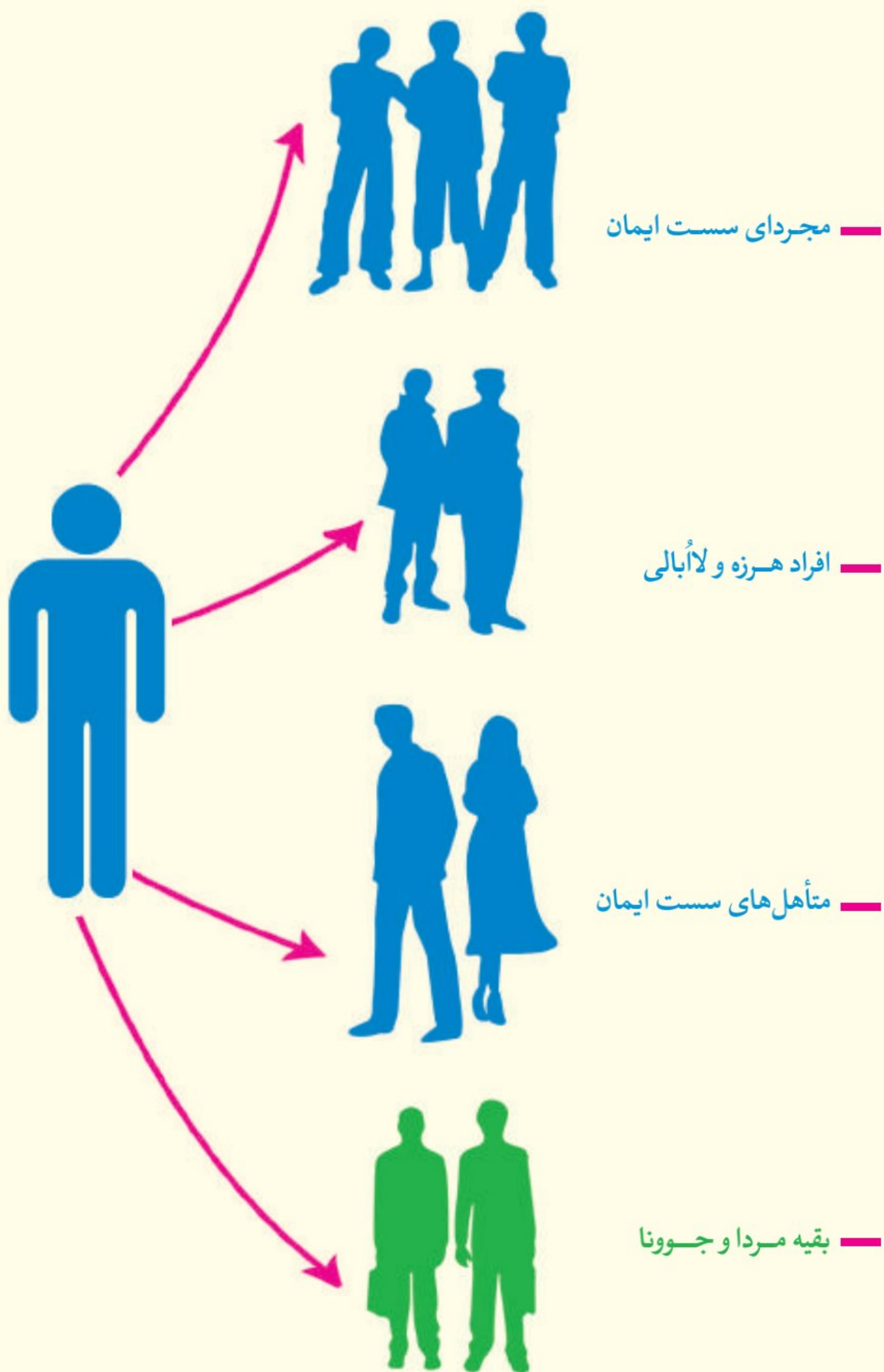
می‌دونین بسیار خفیفی که ایشون میگه یعنی چی؟ یعنی اینکه جنس مذکر، البته خیلی‌هاشون با کمترین جذبه‌ای که از دخترا و خانوما می‌بینن تحریک میشن، ولی خیلی از خانوما اینو نمی‌دونن. اینو علم روز دنیا میگه ها!

حالا شاید کسی سوال کنه: بر فرض که یک مرد یا جوونی تحریک شد، خب مگه چه اتفاقی می‌افته؟

نگاه کنین، مردا رو با توجه به متفاوت بودن شخصیتشون، میشه توی چهار دسته قرار داد که هر کدوم کاری که در مقابل تحریک شدن انجام میدن، متفاوته.

۱- مقاله «برای عشق جاودان آماده باشید». ترجمه مهدیار حمیدی







موهای بیرون یا رنگ شده

چهره آرایش کرده

لباس اندام نما

دست‌ها یا پاهاى بدون پوشش

مانتوهای کوتاه و چاک دار



دسته اول؛ مجردای سست ایمان

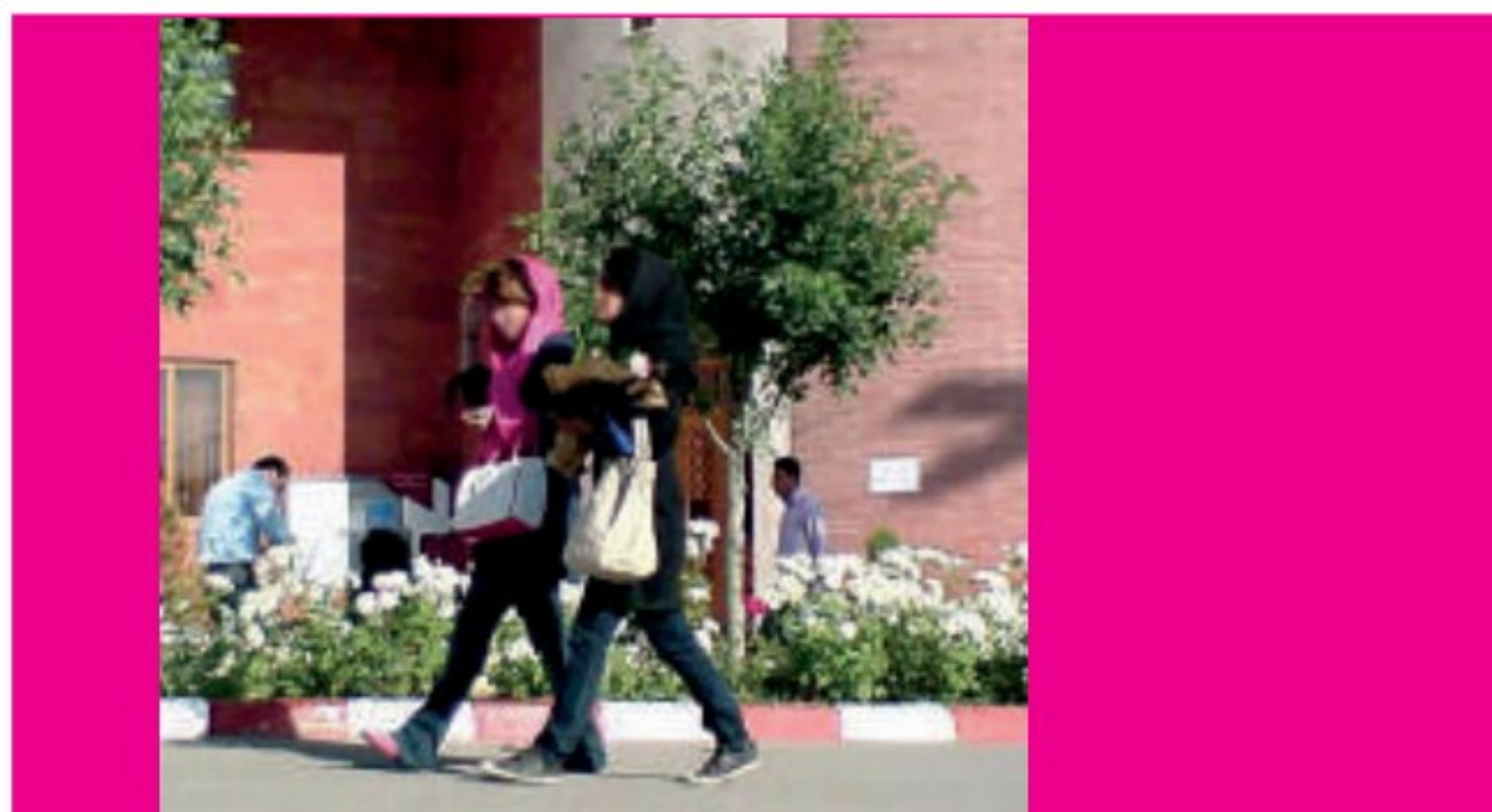
خب، حالا بریم سراغ دسته اول که جوونای ازدواج نکرده و سست ایمانن و با هم نتیجه نگاه کردن اونا به لباس و تیپ تحریک کننده دخترا و خانوما رو بررسی کنیم. می خوام یک جریانی رو براتون بگم.

در اونجا چشمم به دخترای زیادی می افتاد ...

جوونی رو که متهم به قتل دختری بود، دستگیر کردن و آتش سوال کردن که چرا همچین جنایتی کردی؟



گفت: من جوونی مجرد بودم که مثل خیلی‌های دیگه به هزار زحمت دیپلم گرفتم و رفتم دانشگاه. در اونجا چشمم به دخترای زیادی می‌افتاد که با لباس‌های چسب و بدن‌نما و چهره‌های آرایش کرده، تو حیاط دانشگاه قدم می‌زدن و در کلاس‌های دانشگاه شرکت می‌کردن و رعایت هیچ چیزی رو نمی‌کردن. من که هم جوون و هم مجرد بودم، با دیدن این دخترا به شدت تحریک می‌شدم و بهم فشار می‌اومد.



به همین دلیل یواش یواش با اون دخترا طرح دوستی ریختم و یکی از اونها رو فریب دادم و به اسم اینکه می‌خوام باهاش ازدواج کنم، با اون دوست شدم و در طول زمان دوستیم با اون، آزار و اذیتش کردم و خودم رو به مقاصد شهوانیم رساندم. بعد از مدت‌ها اون یک روز گفت من باید باهاش ازدواج کنم.



من هم که نمی خواستم باهش ازدواج کنم، انقدر امروز و فردا کردم تا اینکه یک روز کارمون به دعوا کشید. با اون گلاویز شدم، وقتی به خودم اومدم، متوجه شدم که اون رو خفه کردم و مُرده.^۱

به نظر شما چه چیزایی موجب شدن این جوون، اینقدر تحریک بشه و به اسم دوستی یا ازدواج، تصمیم به آزار و اذیت این دختر رو بگیره؟ دلایل مختلفی داره ولی مهمترینش رو که خودش هم گفته، دخترایی بودن که با چهره آرایش کرده و لباس های تنگ و بدن نما، اونو به شدت تحریک می کردن.

حواسا جمع! پسرا حاضر نیستن ...

این نکته رو توجه داشته باشین که اکثر پسرا حاضر نیستن با دختری ازدواج کنن که حاضر شده با اونا ارتباط برقرار کنه، چون با خودشون میگن این دختری که حاضر به ارتباط با من شده، چه بسا قبلاً یا همین الان با یکی دیگه باشه یا بعد از ازدواج با یکی دوست بشه و با اون ارتباط برقرار کنه، همون طور که حاضر شد با من دوست بشه و با من ارتباط برقرار کنه و من هیچ وقت حاضر نیستم برای ازدواج، اونو انتخاب کنم.

۱- حجاب بیانگر شخصیت زن، ص ۷۶



البته بعضی از پسرا با دوست دخترشون ازدواج میکنند ولی متأسفانه خیلی از اونا بعد از ازدواج با خودشون می‌گن نکنه زنم، همینطور که قبل از ازدواج حاضر شد با من دوست بشه، الان هم با یکی دوسته؟ و این موجب میشه ده‌ها مشکل توی زندگیشون پیش بیاد.

شاید دختری حاضر باشه که ...



شاید دختری حاضر باشه که خدای نکرده با پسری بگه و بخنده، یا حاضر بشه با پسری بستنی بخوره و بره پارک قدم بزنه و باهاش ساعتی صحبت کنه، ولی هیچ دختری حاضر نیست که مورد آزار و اذیت قرار بگیره. اما این رو بدونین که پسرا

در انتهای این دوستی‌ها و پارک رفتن‌ها و بستنی خوردن‌ها و صحبت کردن‌ها و خندیدن‌ها، خواسته یا ناخواسته به این سمت میرن.





آزار و اذیت اما به اسم دوستی یا ازدواج

نگاه کردن پسرا به چهره های آرایش کرده و مانتوهای کوتاه و تنگ دختر و خانوما، مهمترین دلیل تحريك شدن پسر است و در موارد زیادی این جَوونا بخاطر فشاری که بهشون میاد، با استفاده از جلب اعتمادی که به وسیله ی دوستی ایجاد کردن، دست به آزار و اذیت می زنن. می دونین کسی که مورد آزار و اذیت قرار می گیره، چه حالی داره و آزار و اذیت در نگاه يك دختر یعنی چی؟

آزار و اذیت در نگاه يك دختر یعنی از دست رفتن عفت، یعنی وحشت از افشا شدن، یعنی فشارهای روحی فراوان، یعنی و یعنی و دهها یعنی دیگه.



شاید هیچ قصدی ندارن، ولی ...

آیا دخترا و خانومایی که با چهره های آرایش کرده و مانتوهای تنگ و کوتاه، موجب تحريك شدن پسر می شن، نباید پاسخگو باشن؟ آیا اونا از این تاثیرها با خبرن؟ نه، متأسفانه اکثراً نمی دونن و شاید هیچ قصدی هم نداشته باشن ولی باید بدونن که از لحاظ علمی، با این تیپ زدنهاشون ناخواسته زمینه آزار و اذیت رو برای خودشون و دیگران فراهم می کنن و در آزار و اذیت خیلی از دخترا شریکن.

بنابراین، نتیجه تحريك مجردای سست ایمان:



دوستی به نام عشق یا ازدواج و پس از مدتی
از بین بردن سرمایه عفت و آبروی دختران





دسته دوم؛ افراد هرزه و لالایی

می‌خوایم ببینیم نتیجه دید زدن آدمای هرزه، به تیپ و آرایش خانوما و دختر، سرکوچه‌ها و چهارراه‌ها چیه؟

سرکوچه‌ها و چهارراه‌ها داره چه اتفاقی می‌افته؟

برای توضیح این دسته دوم مردا و جوونا، می‌خوام يك جریانی رو برای شما بگم که هر روز بارها داره اتفاق می‌افته. کجا؟

سرکوچه‌ها و چهارراه‌ها و خیابونای شهرمون. یه آدم هرزه، سرکوچه وایستاده و هر دختری خانمی که رد میشه رو کاملاً انداز و رانداز می‌کنه و موها، آرایشها و لباسهای تنگ و بدن نمای اونا و اندامشون رو بررسی می‌کنه.

نفر اول، نفر دوم، نفر سوم و تا ساعتها کارش همینه.





میدونین بعد از این نگاه کردن ها چه حالی بهش دست میده؟ اینقده تحریک میشه که حاضره برای رسیدن به مقصودش هرکاری بکنه.

شما میگی بهش بگیم نگاه نکنه؟

بابا اون آدم رذلیه که هیچی براش مهم نیست و چه بسا تا حالا به خاطر دزدی و خلاف‌های زیادی گرفتنش و اهل گوش کردن به همچین حرفایی نیست.



ماشینایی که جلوی دخترا بوق می زنن

کی تا حالا دیده ماشینایی رو که جلوی خانوما و دخترا بوق میزنن؟
ترمز میزنن و میخوان اونا رو سوار کنن؟

فکر می کنین اونا تو چه فکری آن؟ می دونین که خیلی از اونا کسایی
هستن که دنبال شکار اون روزشونن و در نهایت می خوان طرف رو آزار و
اذیت کنن. تا حالا موارد زیادی بوده که ماشینیی، خانومی رو سوار کرده و
بعد با تهدید اونا رو آزار و اذیت کرده. عده این آدمها کم نیست ها!



ماجرای خفاش شب و عقرب سیاه و قاتل عنکبوتی، فقط نمونه های
کمی از تعداد زیاد آزار و اذیت هایی که تا حالا توی روزنامه ها و رسانه ها
گفتن و شاید شما هم شنیده باشین.



کیا بیشتر مورد آزار و اذیت قرار می گیرن؟

می دونین که اکثر کسانی که مورد آزار و اذیت قرار می گیرن، کدوم دسته از دخترا و خانوماين؟ اونا افرادی آن که با آرایش و لباس تنگ و بدن نما شون خودشونو جذاب کرده بودن.



چراغ سبز!

معمولاً تو خیابون، آدمای هرزه و رذل با ماشینشون، جلوی پای کسانی بوق میزنن و پیگیرشون میشن که با رفتار یا پوشششون به اونا چراغ سبز نشون میدن. اونا لباس و مانتو چسب یا چهره آرایش کرده رو چراغ سبز می بینن، گرچه طرف مقابلشون هیچ قصد بدی نداشته باشه.

ماجرای میدان آزادی تهران

به عنوان نمونه، چند سال پیش تلویزیون خبری رو درباره مزاحمت یه عده از مردای هرزه اعلام کرد. اونا بعد از دستگیری، اعتراف کردن که با ماشین شخصی به عنوان مسافرکش، تو میدون آزادی تهران حاضر





می‌شدن و از بین دختر و خانوما، کسایی که دارای چهره‌های آرایش کرده‌تر و مانتوهاشون تنگ‌تر و کوتاه‌تر بودن رو انتخاب و به هوای مسافرکشی سوار می‌کردن. بعد اونا رو می‌دزدیدن و هربلایی که می‌خواستن سرشون در می‌آوردن و اموالشون رو سرقت می‌کردن و تو جاده‌های بیرون شهر، رهاشون می‌کردن.

می‌دونین برای چی این دختر و خانوما رو انتخاب می‌کردن؟ چون این دختر و خانوما به خاطر لباس تنگ و چهره آرایش کرده و تیپشون، اون آدمای رذل رو بیشتر تحریک می‌کردن.

تو آمریکا چه خبره؟

خوبه بدونین که تو کتاب «روانشناسی زنان» نوشته خانم جانیت شیپلی اومده:

طبق مطالعات انجام شده، زنانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، بعد از این حادثه، وقتی که به سرزنش خود می‌پردازند، می‌گویند: اگه من آن بلوز تنگ رو نپوشیده بودم، اگه آن دامن کوتاه رو تنم نکرده بودم





... (این اتفاق برام نمی افتاد).

جالبه بدونین که تو آمریکا، هم آزار و اذیت به خانوما بسیار زیاده و هم اینکه علت اصلی این آزار و اذیتا، نحوه لباس پوشیدن خانوما و دختراست. شاهدش هم صحبت‌های یک خانوم تازه مسلمون آمریکاییه که براتون می گم. اون میگه:

در زمستان که مردم مجبورند به خاطر سردی هوا، خود را پوشانده و پوشش بیشتری داشته باشند، به طور طبیعی و کاملاً محسوس در آمریکا، آزار

و اذیت نسبت به زنان کمتر می شود، ولی در تابستان که ... به بهانه گرما، اعضای حساس بدن خود را در معرض دید مردها قرار می دهند، آزار و اذیت نسبت به زنان، حتی پیر زنان نیز افزایش می یابد.^۱



خب، گفتیم وقتی که یک آدم هرزه و رذل سرکوجه می ایسته و لباس ها و تیپ های تحریک کننده خانوما و دخترا رو می بینه، مثل بمبی میشه که می خواد منفجر بشه. از طرفی شدیداً تحریک شده و از طرفی آدم رذلیه، مثل حیوون درنده ای که هیچ چیزی براش مهم نیست.

۱- آئین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۲۲۷



حتی حاضره توی این راه، آدم هم بکشه. تا جایی که در یک فرصت پیش اومده دست به آزار و اذیت میزنه.



دادگاه محاکمه برای این آدم کثیف میذارن؟

برای این آدم رذلی که دختر یا خانومی رو آزار و اذیت کرده، دادگاه محاکمه میذارن؟
بگذارن، اشکالی نداره.

باید اعدامش کنن؟
بله، حتماً اعدامش کنن.

ولی انصاف بدین، آیا اون شصت هفتاد نفری که این آدم رذل و کثیف، به اونا نگاه می کرد و از لباس و تیپشون به شدت تحریک شد، تواین آزار و اذیت هیچ سهمی ندارن؟ قطعاً دارن.

ولی وقتی رفتن خونه هاشون از هیچ چیزی با خبر نشدن که بعدش چه اتفاقی افتاد. حتی اگه خبر آزار و اذیت رو شنیدن، به شدت محکوم کردن، در صورتی که خودشون هم توی این آزار و اذیت سهم داشتن ولی خبر نداشتن.





اما روحیه از دست رفته و ...

ببینین؛ این آدم بی خود مزخرف از دیدن پوشش و لباس‌هایی که گفتیم، به شدت تحریک میشه و چون آدم بی خود و مزخرفیه، دست به جنایت میزنه. بر فرض که اون آدم هرزه رو حتی اعدامش کنن، اما روحیه از دست رفته و آبروی ریخته شده دختری خانمی که آسیب دیده و احساس بدی که نسبت به آینده پیدا می‌کنه رو کی می‌خواه جبران کنه؟ آیا واقعاً اون شصت هفتاد نفری که در این حادثه سهمیم بودن، باورشون میشه که نحوه لباس پوشیدن و تیپ زدنشون به چنین فاجعه‌ای منجر می‌شه؟

چه بسا، اکثر این افراد هیچ نیت بدی نداشتن و آگه می‌دونستن که همچین اتفاقاتی از لباس پوشیدن و تیپ زدن اونا پیش میاد، اصلاً اینطور راه نمی‌رفتن.

بنابراین، نتیجه تحریک افراد هرزه و لابیالی:



آزار و اذیت دختران و زنان





دسته سوم؛ مردهای ازدواج کرده اما سست ایمان

خب، توی دسته سوم با گروه بعدی مردا مواجه میشیم. مردایی که بنا به وظیفه همسریشون هر روز مدت زیادی رو بیرون از خونه مشغول کارن تا مخارج خانواده شون رو تأمین کنن.



این مردا در طول روز با خانومای زیادی که آرایش کردن یا لباس‌های تنگ و نامناسب پوشیدن، تو کوچه و خیابون و محل کار مواجه میشن و متأسفانه خیلی‌هاشون به اونا نگاه میکنن و تحریک میشن. و از لحاظ علمی اگه ببینن و اینطور نشه غیر طبیعی.

مَرده رفته تو خیابون و چند نفر خوش تیپ تر از خانومش رو دیده ...

بذارین براتون يك جریانی رو تعریف کنم:
مَرده داشت از سر کارش بر می گشت، توی خیابون از کنار دخترا و خانومای زیادی رد می شد و متأسفانه به خیلی هاشون که می رسید، نگاهشون می کرد.

حتماً توجه دارین که خیلی از اون خانوما و دخترا که اون آقا می دیدشون، از خانوم خودش زیباتر و جوونتر بودن. البته اکثر اون دخترا و خانومایی که با تیپ زدنهای و آرایش کردن هاشون، از کنار این مرد و ده ها مرد دیگه رد می شدن، هیچ قصد بدی نداشتن و یا نمی دونستن که این تیپ زدنشون، توی زندگی دیگران چه تاثیری داره.

این آقا رفت خونه ش. بعد از نهار، وقتی داشت چایی می خورد، با خودش در حال فکر کردن بود که یه مرتبه یادش اومد از اون خانوما و دخترای زیبایی که توی راه دیده بود، و اونها رو تو ذهنش، با خانوم خودش مقایسه کرد.

آره! مَرده چونکه چند تا زن خوش تیپ تر از خانوم خودش رو دیده ...

فکر می کنین توی این خانواده داره چه اتفاقی می افته؟
آره، مَرده چون رفته توی خیابون و چندتا خانوم و دختر خوش تیپ تر





و زیباتر از خانومش رو دیده که خودشون رو حسابی درست کردن و تیپ زدن، نسبت به خانومش مقداری دلزده شده.

اینومی دونین که مثل این اتفاق هرروز داره بارها برای خیلی از مردا پیش میاد؟ مردای شهرای دور دور نه‌ها! مردای همین شهر خودمون.

میگی: مردا نباید نگاه کنن؟

آخه چرا این اتفاق هرروز داره برای خیلی از خانواده‌ها می‌افته؟ مردا نباید نگاه کنن؟ اونا باید چشم‌هاشونو درویش کنن؟ بله نباید نگاه کنن. خیلی کار اشتباهی می‌کنن. ولی به هر حال خیلی‌هاشون نگاه می‌کنن یا ناخواسته چشمشون می‌افته.

ما قبول داریم که خیلی از این مردا با نگاه کردنشون، تقصیرکارن اما به نظر شما آیا اون دخترا و خانومایی که با آرایش کردنشون، با مانتوی تنگ و چسب پوشیدنشون و با تیپ زدنشون، تو خیابون میان، هیچ تقصیری ندارن؟

واضحه که تقصیردارن. خیلی‌هاشون آدمای خوبی هستن ولی نمی‌دونن که با تیپ زدنشون دارن به زندگی خیلی از خانومای دیگه لطمه وارد می‌کنن. البته اینو هم توجه داشته‌باشین که خیلی از مردا آدمای خوبی هستن و اصلاً توی همچین فکر و حرف‌هایی نیستن.



من که خوش تیپ کردم

من که خوش تیپ کردم و رفتم تو خیابون، آیا فکرشو می‌کردم که یه مردی نگاهش به من افتاد و رفت تو خونه‌ش و من رو با خانومش مقایسه کرد و یه مقداری نسبت به خانومش دل چرکین شد؟ اصلاً همچین فکری می‌کردم؟ من خبردارم یا نه، که تا حالا ناخواسته چند مرد رو نسبت به خانوماشون دلزده کردم؟

خانومه میگه: من اصلاً فکرشو نمی‌کردم این تیپ زدنم باعث شه یه مردی نسبت به خانومش دلزده بشه! منم میگم: آره، منم قبول دارم. ولی خودت حساب کن. آیا همچین جریانی پیش می‌اد یا نه؟

آیا احتمال نمیدم شوهر من هم ...

به هر ترتیب هرکسی که ازدواج نکرده باشه، بالاخره يك روزی ازدواج می‌کنه و شوهرش بیرون از خونه، دخترا و خانومای جوونتر و زیباتر از اونو، که تیپ زدن می‌بینن.

خب من که با تیپ زدنم ناخواسته موجب شدم در طول این چند سال، دل ده ها مرد نسبت به خانومشون چرکین بشه، احتمال نمیدم چندین نفر هم پیدا بشن و شوهر من رو نسبت بهم دلزده کنن؟ جووری که با خودش بگه کاشکی اونا زن من بودن.



از هردست که بدی، با همون دست پس می‌گیری!

دختر خانومه می‌گه که: خب، من چه رعایت بکنم چه نکنم، بعداً افرادی پیدا میشن که دل شوهرم رو بیرن!

نه، اینطور نیست دقت کنین، حتماً شنیدین که میگن: اگه کسی در حق دیگران ظلم بکنه، احتمال اینکه به خودش هم ظلم بشه خیلی بیشتر از دیگرانه و از هردست که بدی، با همون دست پس می‌گیری!

حالا، من که خوش تیپ کردم و با این چهره اومدم تو خیابون و دل خیلی از مردا رو نسبت به همسرشون چرکین کردم، احتمال اینکه این جریان به سرخودم هم بیاد خیلی بیشتر از کسائی که رعایت کردن.

یا من که با خوش تیپی و آرایشم باعث شدم پدر خیلی از دختران نسبت به مادرشون دلسرد بشن و اون دخترا با رنج دعوای پدر و مادرشون اذیت بشن، احتمال اینکه همین بلا به سرخودم بیاد خیلی بیشتر از دیگرانیه که رعایت کردن.

اگه تصمیم بگیره دیگه اون کار رو انجام نده

البته این رو توجه داشته باشین که در خیلی از خطاها، اگه کسی که اون کار خطا رو انجام میده، تصمیم بگیره که دیگه انجامش نده، از یک جهت مثل کسی می‌مونه که اصلاً اون خطا رو انجام نداده.



قانون نانوشته



قانون نانوشته، قانونیه بین همه زن و شوهرها، قانونیه حاکم بر زندگی ها. بذارین براتون توضیح بدم.

یه دختری که می خواد ازدواج کنه، معمولاً دارای یکی از این دو تفکره: اول اینکه کسی باشه که اهل تیپ زدن و آرایش کردنِ توی جامعه باشه. در این حالت زمانی که می خواد ازدواج کنه، شوهر آینده اش با شناختی که از اون داره باهاش ازدواج می کنه و اونو با همون پوششش اش قبول داره، چه اشکالی داره؟ این هم یه تفکرِ دیگه.

خب، در این نوع زندگی ها معمولاً یک قانون نانوشته بین زن و مرد وجود داره و اون اینه که مرد با خودش می گه: من زنم رو راحت گذاشتم که هر جور می خواد لباس بپوشه و توی خیابون راه بره، این اُمَل بازی ها چیه؟ از طرفی خودم هم می خوام راحت باشم و به خانوما و دختران نگاه کنم. مگه اشکالی داره؟



آیا به نظر شما این خوبه که این آقا، راحت به خانوما و دخترای دیگه نگاه کنه؟



این یک معادله هست.

توی این حالت، احتمال اینکه این مرد جزء دسته سوم مردا بشه و خانوما و دخترای دیگه رو با همسرش مقایسه کنه، کم نیست ها.

دومین تفکر اینه که دختر خانومه کسی باشه که معتقده نحوه پوششش اش تو جامعه باید جوری باشه که موجب جذب نگاه مردا و جوونا به خودش نشه و پوشش کاملی داشته باشه. این خانم وقتی ازدواج می‌کنه،



بین اون و شوهرش هم قانون نانوشته‌ای وجود داره و اون اینه که چون خانوم رعایت می‌کنه، پس مرد هم بایستی عفاف رو رعایت کنه و به خانومای دیگه نگاه خاصی نداشته باشه و همدیگه رو در عیف بودن کمک می‌کنن و احتمال اینکه شوهرای این خانوما جزء دسته سوم مردا بشن، خیلی کمتره.

اینجا شاید یک خانم ازدواج کرده بگه: حالا که فهمیدم این تیپ زدن من، به زندگی دیگران و همچنین به زندگی خودم لطمه می‌زنه، از الان می‌خوام رعایت کنم و تو خیابون یک طوری راه برم که مردای دیگه حواسشون بهم پرت نشه، از طرفی می‌خوام شوهرمم حواسش به خانوما و دخترای تو خیابون پرت نشه، چکار کنم؟

حل این مشکل، یک شبه ممکن نیست.

راهش هم جرو بحث با شوهر نیست.



راهش اینه که در طول زمان، صریح و با محبت به شوهرش بفهمونه تیپ زدن اون خانوم تو خیابون اشتباهه و از طرفی نگاه کردن شوهرش هم به دیگران درست نیست.

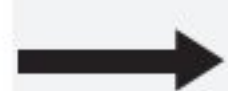
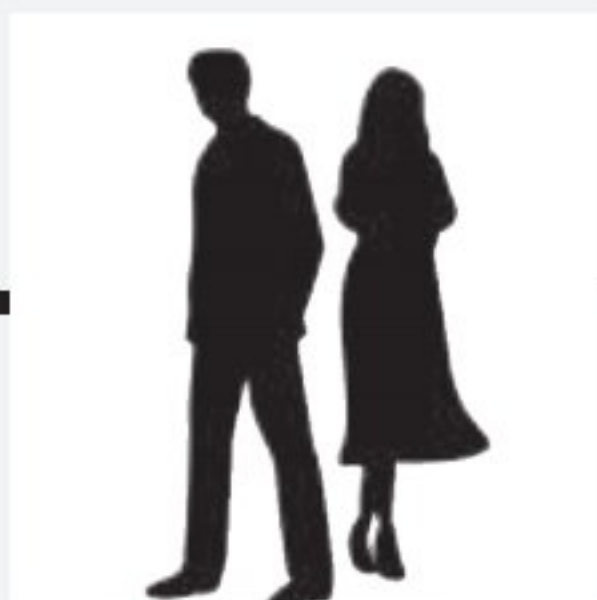
از طرفی لازمه راهی که خدا دوست داره رو پیش بگیره یعنی مثلاً اگه تو خونه شون ماهواره داره یا اهل موسیقی هست یا جزء کساییه که اهل خنده و شوخی با نامحرمه، دست از این کارا برداره و بیشتر به سمت خدا بره.

تو این مسیر، توکل به خدا و مشاوره خیلی کمک میکنه.

«لیندزی کان» میگه:

وقتی مرد پذیرفت که بنگرد و زن پذیرفت که نگریسته شود، مردان به زنان می نگرند و زنان به خود نگاه می کنند که مورد تماشا قرار گرفته اند. [به نقل از جان برگ] آیا دیگر چیزی برای دفاع باقی می ماند؟ چرا مرد به خانه و خانواده وفادار باشد؟ اصلاً چرا خانه و خانواده شکل بگیرد؟^۱

بنابراین، نتیجه تحریک متأهل های سست ایمان:



پایین اومدن ارزش زن در خانواده

۱- مقاله معروف (مردان می نگرند و زنان نگریسته می شوند) لیندزی کان





دسته چهارم؛ بقیه مردا و جوونا

دسته چهارم، بقیه مردا و جوونای جامعه هستن. فکر می‌کنین تأثیر نگاه اونا به تیپ و آرایش و لباسای تنگ و بدن‌نمای خانوما و دخترا چیه؟ اول بگذارین یه چیز جالب براتون بگم.

قوانین دانشگاه‌های اروپا و آمریکا

خوبه بدونین که خیلی از دانشگاه‌های اروپا و آمریکا، درباره پوشش دخترا به چه نتایج علمی‌ای رسیدن و برای پیشرفت علمی شون چه قوانینی رو وضع کردن. با همدیگه بعضی از قوانین دانشگاه‌های این کشورا رو مرور می‌کنیم:



دانشگاه تگزاس آمریکا

:(Texas)

- شلوار نباید تنگ و چسبان باشد.
- پوشیدن لباس‌های بدن‌نما مجاز نمی‌باشد.
- استفاده از زیورآلات ناخن و ناخن مصنوعی ممنوع می‌باشد.





دانشگاه آکسفورد (Oxford)

- زنان باید ظاهری آراسته و مناسب داشته باشند.
- لباس زنان نباید پشت باز یا بدون آستین، تنگ و بالای زانو باشد.



دانشگاه مری واشنگتن (Mary Washington)

- دانشجویان بایستی از پوشیدن لباس‌هایی که بخشی از بدن را در معرض دید قرار می‌دهند خودداری کنند.



دانشگاه گرین ویل شمالی آمریکا (North Greenville)

- لباسی که به صورت نامناسب، اندام‌ها را نشان می‌دهد مجاز نمی‌باشد.
- دامن‌ها باید با اندازه مناسب بوده و کوتاه نباشد.^۱

۱- (سایت این دانشگاه‌ها/ خبرگزاری فارس ۸۸/۱۲/۱۹)



اینها فقط قوانین چند دانشگاه بود که به عنوان نمونه بیان کردیم. فکر می‌کنین مسئولین این دانشگاهها، که همچین قوانینی رو وضع کردن، آدمای خیلی مذهبی‌ای بودن؟ و این قوانین رو به خاطر اعتقادات مذهبی‌شون وضع کردن؟ قطعاً اینطور نیست.

می‌دونین برای چی همچین قوانینی رو وضع کردن؟

به خاطر اینکه بعد از کلی تحقیقات علمی، به این نتیجه رسیدن که: اگه بخوان از اُفت تحصیلی دانشجوهاشون جلوگیری کنن، علاوه بر سخت‌کوشی و برنامه‌ریزی و منظم بودن، باید يك عامل مهم دیگه رو هم رعایت کنن و اون اینه که دخترا توی دانشگاه، به نحوی رفت و آمد کنن که پسری تحریک نشه. چون زمانی که يك پسر تحریک میشه قسمتی از ذهنش مشغول میشه و اون فرد به همون میزان که ذهنش مشغول شده، اُفت تحصیلی پیدا می‌کنه و این یعنی پایین اومدن سطح علمی دانشگاهشون.

موقع کار چی پیش میاد؟

دقیقاً همین جریان درباره اُفت اقتصادی يك جامعه هم هست. یعنی اینکه يك مرد شاغل، وقتی داره میره محل کارش و تورا با چهره آرایش کرده و لباس‌های بدن‌نمای خانوما مواجه میشه، در موقع کار کردن مقداری از ذهنش به اونا مشغول میشه و این یعنی اُفت راندمان



اقتصادی این مرد و دهها مرد شاغل دیگه توی جامعه.

بنابراین، نتیجه تحريك بقیه مردا و جوونا:



→ ضعیف شدن فعالیتهای علمی و اقتصادی

بعضیا میگن: توی غرب همه چیز طبیعی و مشکلی نیست



شاید بعضیا بگن: تو غرب، هیچ کس به کسی نگاه خاصی نداره و همه چیز طبیعی، پس اگه تو کشور ما هم، همه دخترا و خانوما مثل غرب لباس بپوشن، برای مردا طبیعی میشه.

کی گفته؟ اینطور نیست که تو غرب، همه چیز طبیعی شده باشه. نمونه اش اینکه:

براساس گزارش حقوق کودکان در سال ۲۰۰۶:

بلژیک از پایگاههای فروش کودکان و قاچاق انسان است و اکثر قربانیان آن دختران و زنان جوان اروپای شرقی هستند که با هدف به کارگیری در مراکز فحشا فروخته شده اند.^۱

۱- وای وای اروپا، آمریکا، ص ۲۲



۸۰ درصد از زنان پلیس انگلیس در شیفت‌های کاری خود در معرض آزار و اذیت قرار می‌گیرند. دکتر جنیفر براون، محقق اجتماعی می‌گه: این آمار، آمار وحشتناکی است آن هم هنگام نوبت‌های کاری‌شان که وظیفه‌شان برقراری امنیت است.^۱



طبق اسناد و آمار سازمان ملل، بین ۴۰ تا ۵۰ درصد زنان اتحادیه اروپا متحمل یکی از اشکال استثمار جنسی در محل کار خود شده‌اند.^۲

طبق گزارش مرکز برابری زنان، ۳۰ الی ۵۰ درصد زنان در یونان در معرض خشونت و تجاوز جنسی در محل کار خود قرار گرفته‌اند.^۳ یک زن ۲۹ ساله مکزیکی می‌گه:



وقتی ما در اتوبوس هستیم، مردان مرتب برایمان ایجاد مزاحمت می‌کنند. دولت مکزیکی اتوبوس‌هایی مخصوص حمل و نقل بانوان، را وارد سیستم حمل و نقل خود کرد.^۴

پیلینت روث: رواج فرهنگ برهنگی نه تنها آن را به صورت عادی و یک چیز بی اهمیت در نمی‌آورد، بلکه عطش روحی را افزایش می‌دهد.

۱- خبرگزاری ایونا

۲- وای وای اروپا آمریکا، ج ۱ ص ۱۰

۳- وای وای اروپا آمریکا، ص ۳۸

۴- مجله پیام زن بهمن و اسفند ۸۶



در عین حال قبوله که توی غرب، افرادی هم هستن که دیدن دخترا و خانومای تو جامعه، اونا رو کمتر تحریک می‌کنه، اما می‌دونین علتش چیه؟

این مردا اینقدر تو منجلا ب فساد و ارتباط با زنهای مختلف غرق شدن که دیگه نگاه کردن به زنهای توی جامعه چیزی براشون حساب نمیشه. درسته؛ برای این دسته از مردا نگاه به دخترا و خانومای تو خیابون، مقداری طبیعی شده، **اما به چه قیمتی؟**

به قیمت از هم پاشیده شدن خانواده‌ها، به قیمت ازدواج نکردن جوونا، به قیمت غرق شدن آدما تو منجلا ب فساد. اگه بخوایم به این نگاه طبیعی برسیم، باید همچین هزینه‌ای بکنیم و این خیلی هزینه زیاده.



چرا به مردا چیزی نمی‌گین؟

شاید يك نفر با خودش بگه که: چطور؟ مردا هر جور خواستن به خانوما نگاه کنن، اشکالی نداشته باشه. همه‌ش، خانوما باید رعایت کنن؟ چرا به مردا چیزی نمی‌گین؟

ما هم همین نظر رو داریم. ما هم قبول نداریم که مردا به هر خانومی، هر جور خواستن نگاه کنن. البته همه‌ی مردا اینجوری نیستن‌ها، ولی اونایی که این کار رو انجام میدن، کارشون خیلی اشتباهه. حتماً به این مردا باید گفته بشه که این کارشون اشتباهه. ضمن اینکه در قرآن هم در سوره نور آیه ۳۰ اومده که مردا نباید به خانوما عمداً نگاه کنن.^۱

ولی انصاف بدین، نمیشه که یک مرد تو خیابون که راه میره همه‌ش سرش به زمین چسبیده باشه. خب معلومه که نمیشه. حداقل سرش میاره بالا که جلوی راهش رو نگاه کنه و در نتیجه چشمش می‌افته و باز تمام اون اتفاقاتی که با هم مرور کردیم، پیش میاد. پس باید هردو تا دقت کنن. هم مردا نباید نگاه کنن و هم خانوما باید پوشششون رو رعایت کنن. ببینین؛ زیبایی و لطافت و جذابیت زیاد، مال خانوماست. اگه آدم یک جنس ارزشمند داشته باشه، هم بقیه نباید چشمشون به جنس اون باشه و هم خود اون فرد، نباید جنسش رو در معرض دید قرار بده.

مثلاً کدوم آدم پیدا میشه که در ماشین گرون قیمتش رو باز بگذاره و بگه: جامعه باید رعایت کنن و دزد نباید ماشینم رو ببره!

۱- قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ...

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند...





آره، آدم در ماشینش رو قفل می‌کنه و از طرفی جامعه هم باید رعایت کنه و هرکدوم از این دو تا رو حذف کنیم یک جای کار اشکال داره. یک مثال دیگه:

طلا فروش و دزد

آیا کسی از نزدیکانتون طلا فروش هست؟ این رو می‌دونین که یک طلافروش، شب موقعی که می‌خواد بره خونه‌ش، از ترس طلاهاش رو داخل گاوصندوق می‌ذاره و اونو قفل می‌کنه. کلیدی از بالا و کلیدی هم از پایینِ گاوصندوق میزنه و رمزی هم برای اون انتخاب می‌کنه، کلید دزدگیرِ گاوصندوق رو هم میزنه. دوربین مدار بسته‌ای که به گاوصندوق مشرفه رو هم روشن می‌گذاره و درِ شیشه‌ای مغازه رو هم می‌بنده. تلفن مغازه رو به پلیس ۱۱۰ و یا تلفن منزلش وصل می‌کنه، تا اگه دزدگیر کار کرد، تلفن منزلش زنگ بخوره. کرکره مغازه رو هم پایین میاره و چند قفل از داخل و چند قفل هم از بیرون میزنه.





اگه ازش سوال کنی که چرا اینقدر می ترسی، راحت باش. اینهمه قفل زدن نمی خواد، در جواب میگه: باید هم بترسم، چون من جنس بارزشی دارم.

زن که از زیبایی و قدر و قیمت بالایی برخورداره، نسبت به اینکه هر کسی زیبایی های اون رو ببینه و مورد نگاه های هوس آلود نامحرما و دستبرد اونها قرار بگیره، مواظبه و به راحتی اجازه نمیده که هر کسی از زیبایی های اون بهره برداری کنه مثل همون طلافروش که طلاهای با ارزشش رو مواظبت ویژه می کنه.^۱

۱- با استفاده از کتاب رازهای ارتباط با جنس مخالف، ص ۱۵۰





دیوار بلند. لازمه؟

چرا آدم‌ها به دور خونه‌هاشون دیوار می‌کشن و روی دیوارها، حفاظ نصب می‌کنن؟ اگه درهای خونه‌هاشون چوبی باشه، چرا اونا رو آهنی می‌کنن و اگه دیواراشون کوتاه باشه، چرا اونا رو بلند می‌کنن؟ آیا همه اینا برای سختی شونه یا راحتی شون؟

اگه کسی دیوار خونه‌ش بلند بود و کوتاه کرد، یا حفاظ داشت و اون رو برداشت، یا در خونه‌ش بسته بود و برای همیشه باز گذاشتش، آیا این موجب راحتی، آرامش و آسایش شخصه یا موجب ناآرامی اون میشه؟



همونطور که درهای ایمن، دیوارهای محکم و بلند و ... برای راحتی
خونه‌هاست، حجاب هم برای راحتی و آرامش خانوماست. پس
اسلام که برای زن حجاب رو آورده، برای مشقت و سختی اونا نیست
بلکه برای راحتی شونه.^۱

۱- با استفاده از کتاب تمثیلات، ج ۲، ص ۱۳۹





خلاصه تمام مطالب توی کلام امام رضا علیه السلام

دانشمندا خیلی وقتا، باید کلی تلاش کنن که تازه بعد از سالها به يك نتیجه‌ای برسن، در حالی که ما، در کنارمون اقیانوسهایی از علم و حکمت داریم که اونا قرآن و سخنان ائمه معصومین علیهم السلام هست. خوبه بدونین تمام مطالبی که توی چند صفحه گذشته گفتیم، خلاصش توی کلام گهربار امام رضا علیه السلام هست که ایشون می‌فرمایند:

نگاه کردن به موهای زنان حرام است، زیرا این نگاه، مرد را تحريك نموده و این تحريك، مرد را به فساد و آنچه حلال نیست می‌کشاند و همچنین است حکم غیر مو که نگاه مرد به آنها حلال نیست. مگر... (مگر پیرزنانی که امید به ازدواج با آنان نیست که آنان می‌توانند غیر جلاباب [روسی] بقیه پوشش سر خود را بردارند)^۱

۱- علل الشرائع . ج ۲ . ص ۵۶۴





دلت پاك باشه

بعضيا ميگن: دلت پاك باشه، مهم نيت آدمه، ظاهر اهميتي نداره. چه اشكالي داره آدم اينجوري فكر كنه؟



برای بررسی این موضوع اول يك مثال می زنم؛ شما پولتون رو تو دستتون می گیرین و تو خیابون میرین و نیت شما هم پاكه. قطعاً نمی خواین کسی پولهای شما رو بدزده چون به نیت دزدیده شدن پولهاتون، اونا رو از تو جيبتون بیرون نیاوردین. آیا در این صورت

دزد میاد و از شما سوال می کنه كه: «آیا نیت شما اینه كه من پولهای شما رو بدزدم؟» و بعد دزدی می کنه یا خیر!

کسی كه زیبایی خودش رو جلوی چشمای دیگران قرار میده، آیا ازش سؤال می کنن نیت شما اینه كه من مزاحم شما بشم؟

مسلماناً همچین سؤالی از اون خانم نخواهد شد و به نیت اون خانم کاری ندارن. بلکه فرد مزاحم نگاهی به ظاهر اون خانم می کنه و این حرف بی خود توی ذهنش میاد: این خانوم می خواد من مزاحمش بشم، اگه نمی خواست كه با این تیپ بیرون نمی اومد.

خیلیا دلشون پاكه و این هم خیلی خوبه، ولی پاك بودن دل کافی نیست، بلکه لازمه يك خانوم ظاهرش هم جوري باشه كه آدمای



مزاحم رو به سمت خودش جلب نکنه.^۱

ماجرای ماهیچه پلک چشم



می خوام یه جریانی رو براتون تعریف کنم:
یکی می گفت: يك روز رفتم دکتر. وقتی که
داشتم با آقای دکتر حرف می زدم، دیدم
ایشون هر از چند گاهی دستش رو روی
پلک چشمش میذاره و اون رو میبره پائین
و میاره بالا. وقتی این کار رو چند بار تکرار
کرد، از آقای دکتر پرسیدم:
آقای دکتر، این چه کاریه که شما انجام
میدین؟

می دونین ایشون چی جواب داد؟

اون گفت: من ماهیچه پلک چشمم که وظیفهش باز و بسته کردن
پلکمه، از کار افتاده و نمی تونم چشمم رو ببندم، برای همین لازمه این
کار رو با دستم انجام بدم. اگه هم این کار رو انجام ندم و یکسره چشمم
باز باشه، رطوبتش خشک میشه و آسیب جدی به چشمم وارد میشه.
دوستان؛ ماهیچه پلک چشم، یکی از هزاران نعمتیه که خدا به ما داده
که اگه به هر کدومشون فکر کنیم، می بینیم مثل همین ماهیچه پلک
چشممون مهم هستن.

۱- با استفاده از کتاب رازهای ارتباط با جنس مخالف، ص ۱۵۴





همین خدا گفته

اصلاً تا حالا فکر کردیم که اگه خدای متعال به هر دلیلی به ما این همه نعمت رو که داده، نمی داد چی می شد؟ مگه ما آدم کور ندیدیم که تا حالا يك تصوير رو هم ندیده؟ مگه آدم فلج ندیدیم که تا آخر عمرش هم نمی تونه يك بار روی پای خودش بایسته و قدم برداره؟

خب؛ خدایی که به ما این همه نعمت داده، همین خدای مهربان تو قرآنش بهمون گفته پوشش کامل داشته باشیم.





کجای قرآن اومده پوشش واجبہ؟

سوره احزاب آیه ۵۹:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

و اما ترجمه روان این آیه:

ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زن‌های مؤمنان بگوروسری‌ها و چادرهای خود را بر سر خود بپفکنند (که گردن و سینه و بازوان و ساق‌ها پوشیده شود) این (کار) نزدیکتر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار قرار نگیرند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.

اصلاً هر کسی رو تو قبر خودش میذارن!

حالا یه عده هستن که با اینکه می‌دونن تیپ زدن و آرایش کردنِ اونا جلوی نامحرم، موجب ضرر به خودشون و دیگران تو دنیا میشه و خدا هم حجاب رو واجب کرده، وقتی بهشون گفته میشه: خانوم بهتر نیست یه طوری لباس بپوشین که اینطور اعضای بدنتون برجسته نشه؟

خانومه جواب میده: من هر جور دلم بخواد لباس می‌پوشم و به هیچکس ربطی نداره!

وقتی بهشون گفته میشه خانوم این آرایش و تیپی که شما دارین طوریه که هر مردی از کنارتون رد میشه، حواسش به شما پرت میشه و این درست نیست.

خانومه جواب میده: بقیه نگاه نکنن، به من چه ربطی داره!

وقتی بهشون گفته میشه: خانوم با این پوششتون جواب قبر و قیامت رو چی می‌خواین بدین؟

خانومه جواب میده: برو بابا، هر کسی رو تو قبر خودش میذارن! حرفاشو میزنه و میره.



نهایتاً صد سال

به هر ترتیب هر کسی به عمری داره و حتماً همه‌ی ماهایه روزی از دنیا میریم.

به هر حال، مرگ یکی از واقعیت‌های زندگیه و همه‌ی آدمای نهایتاً بعد از هفتاد، هشتاد، فوقش صد سال از دنیا میرن. معمول عمر آدمای، اگه کمتر از این نباشه، بیشتر نیست دیگه، درسته؟

خدا این شصت هفتاد سال رو به ما آدمای داده تا امتحانمون کنه و هر کار خوب یا بدی که توی این دنیا انجام میدیم، توی آخرت جوابشو ببینیم.

سالها میگذره و این خانوم از دنیا میره. روز قیامت فرا رسیده و حالا دیگه وقتشه که آدمای نتیجه اعمالشون رو ببینن.



صحنه های دردناك

شاید حدیث معراج رو شنیده باشید. تو این حدیث آمده وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آسمون ها رفتن و همه هستی رو مشاهده کردن، زمانی که داشتن از جهنم عبور می کردن، با صحنه های دردناك عذابهایی مواجه شدن. یکی از اون صحنه های عذاب این بود که ایشون فرمودن:

... اما المعلقة بشعرها فانها كانت لا تغطی شعرها من الرجال و...^۱
آن زنانی را که دیدم که به موهای خود در آتش آویزان شده بودند، زنانی بودند که موهای خود را از نامحرم نمی پوشاندند ...
زنانی در جهنم بودند که گوشت بدن خود را می خوردند، آنها زنانی بودند که بدن خود را به نامحرم نشان می دادند .

بر فرض که خدا ببخشه، حق الناس رو چه کار کنم؟

هنگامی که این خانوم با عذاب مواجه میشه، فکر می کنین با خودش چی میگه؟

با خودش میگه چه اشتباهی کردم، کاش حرف خدا رو گوش می کردم که گفته بود خانوما جلوی نامحرم، باید پوشش مناسبی داشته باشن. حالا چه کار کنم با این همه عذاب؟ چه مردایی که با دیدن تیپ من، نسبت به زنشون دلزده شدن و حالا باید جواب بدم. چه اذیت و آزارهایی که به دخترا و خانومایی شد که من با تیپ زدنم توانا شریک شدم و حالا باید بابت تمام اینها عذاب بشم.

ای بابا؛ خدا مهربونه و می بخشه!

من فکر می کردم کارای خوبی که تو دنیا کردم، نجاتم بده. تو دنیا بهم گفتن که این جور لباس پوشیدن و آرایش کردن و راه رفتن من، ظلم به دیگرانه و حق الناسه، بهم گفتن که کارهای خوب من جبران حق الناس رو نمی کنه ولی من گوش نکردم. چه اشتباهی کردم که می گفتم: ای بابا، خدا مهربونه و می بخشه. حالا دارم می بینم این ظلمایی که با این جور لباس پوشیدنم کردم علاوه بر اینکه حق الله هست، حق الناس هم هست، بر فرض که خدا، من رو ببخشه، این حق الناس رو چکار کنم؟

کاشکی می تونستم به دنیا برگردم و آدم خوبی می شدم ولی دیگه کار از کار گذشته و جبران ممکن نیست.



تا ابد خوش می‌گذرونن و لذت می‌برن

در اون زمان، کسایی که حجاب کاملی تو دنیا داشتن، تو خیابون و جلوی نامحرم، لباساشون یه طوری بود که اعضای بدنشون برجسته نبود، آرایش نمی‌کردن، اهل شوخی و خنده با نامحرم نبودن و همچنین کارای دیگه شون هم درست بود، اینه‌این که اهل بهشتن.

آیا حالا میشه گفت که فرقی بین باحجاب بودن و بی حجاب بودن نیست؟ قطعاً هست.

اینه‌این که تو بهشتن و توناز و نعمت و براشون بهترین لذت‌ها و زندگی‌هاست. تا کی؟ تا شصت سال؟ هفتاد سال؟ فوقش تا صد سال؟ نخیر، بلکه تا ابد اونجاین و خوش می‌گذرونن و لذت می‌برن. اونجا مثل دنیا اینقده کوتاه نیست ها.





حیفه که همین يك نکته مهم رو رعایت نکنن

يك نکته مهم

البته ما اینو می‌دونیم که اکثر کسانی که تو جامعه، موهاشون رو از روسری یا چادرشون بیرون می‌ریزن و تیپ می‌زنن، اولاً نمی‌دونن که همین موی بیرون یا صورت آرایش کرده یا لباس چسب شون، اینجور عواقب بدی داره.

دوماً، چه بسا خیلی از اونا تو خیلی از کارای دیگه شون، نمره شون بیست باشه. افراد مودب، با محبت در حق پدر و مادر، کمک کننده به فقراء و دارای دهها خوبی دیگه باشن و اصول مسلمانی رو تو خیلی از کاراشون رعایت می‌کنن و این نشون میده که این افراد، دوست دارن کارهاشون تو مسیر درست باشه، پس حیفه که همین نکته بسیار مهم که رعایت کردن پوشش مناسبه توجه نکنن.



کدوماشون؟

کدوم باحجابایی اهل بهشتن؟
اینا دو گروه هستن. یکی کسائین که از اول با حجاب بودن و تا آخر عمرشون هم استقامت کردن.

یکی هم کسایی که جلوی نامحرم لباسای چسب می پوشیدن و آرایش می کردن، ولی زمانی که فهمیدن خدا باحجاب بودن رو دوست داره و اونو واجب کرده و از طرفی فهمیدن که اینجور تیپ زدن اونا، موجب ضرر به زندگی دیگرانه و حتی به زندگی خودشون هم ضرر میزنه، از راهشون کاملاً برگشتن و با حجاب شدن.

از طرفی، هر دو گروه کسائین که کارای دیگه شون هم درسته. اینجاست که باحجابها، نتیجه موندن توراها خدا و گاهی گرما خوردن و مسخره شنیدن های توی دنیاشون رو می بینن.

اصلاً مسئله شرعی حجاب چیه ؟

خوبه بدونین نظراکثر مراجع تقلید در مورد پوشش و حجاب اینه که: هر دختری از ابتدای بلوغ، هنگامی که در معرض دید نامحرم قرار می گیره، واجبه تمام موها و بدنش رو بپوشونه به غیر از دستها تا مچ و گردی صورت، البته بدون آرایش.

بنابراین باید مواظب بود که زیر چونه و گردن و دستها از مچ به بالا و روی پاهامون دیده نشه. ضمناً به نظراکثر مراجع تقلید، پوشیدن جورابای نازکی که پا از زیرش دیده بشه، جلوی نامحرم اشکال داره.





اینکه گفته میشه «واجبه» یعنی چی؟

واجب بودن يك كار یعنی: باید اون کار رو انجام داد و اگه کسی اون کار رو ترك کنه، مستحق عذاب خداست.

مانتو؟

یک نظر هم اینه که:



مانتویی‌هایی که موی سرشون رو می‌پوشونن، صورتشون آرایش کرده نیست و مانتوشون بدن نما و جذاب نیست و تمام قسمتای بدنشون رو می‌پوشونه، حداقل حجاب رو دارن. بله؛ شاید حرفشون درست باشه، ولی

خودتون هم می‌دونین، در عمل که بررسی می‌کنیم می‌بینیم اکثر این مانتوهایی که تو بازار هست، سینه‌ها یا پشت بدن رو برجسته می‌کنه و خیلایشون هم رنگها و طرح‌هایی داره که هر مردی از کنارشون میگذره، حواسش به اونا پرت میشه و این درست نیست.



واضحہ کہ پوشیدگی چادر بیشتر
از مانتویہ و با چادر می‌شہ تمام
برجستگی‌های بدن رو پوشوند و
یک حجاب کامل داشت.



هر کسی چادری بود، حجابش درستہ؟

از طرفی شاید بعضیا فکرکنن هر کسی چادری بود، حجابش درستہ.
این حرف، حرف درستی نیست. مثلاً بعضیا حواسشون نیست
چقدر چادرشون نازکہ و این رو بقیہ کہ می‌بیننشون، متوجہ میشن نہ
خودشون و از زیر چادر موها یا لباس‌های اندام‌نما یا ساق دستشون
دیدہ میشہ. یا بعضی چادرها اینقدہ براقہ کہ توجہ ہر مردی از کنارشون
رد می‌شہ، رو بہ خودش جلب میکنہ.

کدوم چادریا، حجابشون صحیحہ؟

باید بدونیم چادریایی! حجابشون درست و کاملہ کہ
موی سرشون رو می‌پوشونن، صورتشون آرایش کردہ
نیست، چادرشون بدن‌نما و جذاب نیست و تمام
قسمتای بدنشون رو می‌پوشونہ.



کدوم چادر خوبه؟ چادر ملی یا چادر...؟

یک نکته مهم؛ ممکنه بعضی چادرا برای خیلیا مناسب باشه ولی برای يك نفر، نه. مثلاً شاید چادر ملی که برای خیلیا مناسبه، برای يك نفر با اندام درشت‌تر، بدن‌نما و جذاب باشه. پس لازمه هرکسی چادر مناسب خودش رو، پیدا کنه.

قابل توجه چادریا

یه عده از چادریا بعضی وقتا، موقع راه رفتن حواسشون نیست و چادرشون کنار میره و خدای نکرده مانتو یا شلوار چسب و اندام نماشون دیده میشه و تأثیر منفی این حواس پرتی، مثل تأثیر پوشیدن لباسهای چسب و اندام‌نمایِ افرادی که چادر ندارن و توی صفحات گذشته در موردش توضیح دادیم.

چادر، با رنگ مشکی؟

بعضی‌ها میگن: چرا رنگ چادر مشکیه؟
اول ببینیم رنگ مشکی کجاها استفاده میشه؟
■ تو غرب، رنگِ ردای قُضات و وُکلا، مشکی و یا سرمه‌ای بسیار تیره هست.

■ در ورزش‌های رزمی بالاترین درجه، کمر بند مشکیه.

■ رنگ مشکی متالیک رو خیلی‌ها برای وسایل خونه، اتومبیلشون و... ترجیح میدن.



■ خیلی از کت و شلوارهای مردونه و لباس‌های مجلسی زنونه با برندهای معروف دنیا، به رنگ مشکیه.



حالا خوبه بدونین؛ در روان‌شناسی رنگ‌ها، هررنگی زبونی داره. زبون رنگ مشکی یعنی فاصله و مرز. زنان پاکدامن با استفاده از پوشش مشکی این پیام رو به مردای نامحرم میدن که بین ما و شما مرز و فاصله‌ست. تا جایی که گفتن: «رنگ مشکی به معنای نه است».^۱

از طرفی رنگ مشکی، هم باکلاسه و هم به نجابت و پاکدامنی یک خانوم کمک میکنه.

۱- روان‌شناسی رنگها، مارکس لوشر، ص ۹۷





چرا حتی یک تار موی خانوما نباید بیرون باشه؟

به این دو مثال دقت کنین:

خون نجسه، مقدار زیادی خون یا حتی یک سرسوزن خون هم نجسه. دزدی مال مردم حرومه، چه یک کیسه گندم یا یه مشت گندم و حتی دزدیدن یک دونه گندم هم حرومه. همچنین بیرون بودن موهای سر خانوما در مقابل نامحرم حرومه، چه تمام موها و چه یک تار مو. وقتی یه کار اشتباهه، کم و زیاد نداره. اگه یه روز بیینی برادر کوچیکت می خواد

فقط یه دونه سیگار بکشه، چرا اونو منع می کنی؟

مگه کشیدن یه دونه سیگار چقدر ضرر داره؟ حتماً

می گی: مسئله یک دونه سیگار نیست، آخه تمام

کسایی که یه عمر سیگاری یا بدتر از سیگاری بودن،

از همین یه دونه سیگار شروع کردن. تمام کارای

نادرست از کم شروع میشه و حواسمون باید باشه که شیطان، بسیار

با حوصله و پرتاقته. اول گناه و خطای بسیار کوچیکی رو پیشنهاد

میکنه و وقتی جواب مثبت شنید، قدم بعدی رو برمیداره.





کجا حواسا باید بیشتر جمع باشه؟

باید همیشه مواظب پوششمون در مقابل نامحرم باشیم و همونطور که تو خیابون رعایت می‌کنیم، تو کلاسهای دانشگاه، مهمونی‌های خانوادگی و عروسی‌ها و مسافرت و کنار دریا هم باید مواظب پوششمون باشیم و همینطور بعضی وقت‌ها که احتمال عقب رفتن آستین مون هست، مثل موقعی که در حال برداشتن چیزی از بلندی یا تعارف کردن میوه به نامحرم هستیم، بایستی بیشتر مواظب باشیم.

جلوی محرمّا، چه جوری؟

درسته که بابا و داداش و دایی و عمو و ... با ما محرم هستن ولی يك سوال: هرجوری که جلوشون راه بریم و لباس بپوشیم، اشکال نداره؟ درسته که اونا بهمون محرم ولی این درست نیست ما با هر لباس چسب و بدن‌نمایانازک یا کوتاهی، جلوشون راه بریم که خدای نکرده اونا حتی کمی ذهنشون مشغول بشه. در بین محارم هم حریم‌هایی وجود داره، هرچند این حریم‌ها کمتر از حریمیه که در مقابل نامحرم هست.



حجابِ زبان و رفتار

کسایی که می‌خوان باحجاب باشن، علاوه بر عفت پوشش یا همون حجاب، حتماً باید دوتا حجاب (عفت) دیگه رو هم رعایت کنن.

عفت زبان: یعنی اینکه نباید يك دختر هنگام حرف زدن با يك پسر، لهجه و نحوه صحبت کردنش با ناز باشه. مثلاً يك دختر خانم موقع صحبت با پسری، صداش رو نازك بکنه و با کرشمه و ناز حرف بزنه. در حالی که اسلام می‌گه هنگام صحبت با نامحرم، صداتون رو نازك نکنین. البته نه به این معنا که با صدای کلفت و مردونه صحبت کنین اما با ناز و عشوه هم حرف نزنین.



عفت رفتار: یعنی راه رفتن طوری نباشه که جلب توجه کنه. بعضی افراد با نحوه راه رفتن شون، افراد مزاحم رو به سمت خودشون جذب می‌کنن.^۱

۱- با استفاده از کتاب رازهای ارتباط با جنس مخالف، ص ۱۶۶



باید زن رو از زیر چادر بیرون کشید!

واما يك مطلب از مستر همفر. میدونین مستر همفر کیه؟
مستر همفر، جاسوس انگلیس بود که سال های زیادی تو کشورهای
اسلامی برای نابودی اسلام جاسوسی می کرد.

اون میگه: باید زنانِ مسلمان را فریب داد و از زیر چادر بیرون کشید،
پس از آنکه زنان را از زیر چادر بیرون آوردیم، باید جوانان را به عشق
بازی با زنان تشویق کنیم و فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهیم.





باید بر سر مسلمون‌ها به جای بمب، دامن‌های کوتاه فرو بریزیم.

يك نویسنده فرانسوی به نام میشل هولاک می‌گه:

جنگ بر ضد اسلام، با کشتن مسلمون‌ها فایده‌ای ندارد. فقط با فاسد کردن آنها می‌توان به این پیروزی دست یافت. پس باید به جای بمب بر سر اون‌ها، دامن‌های کوتاه فرو بریزیم.

احساس امنیت

خانم «ایوان ردلی» نویسنده و خبرنگار معروف انگلیسی که اسلام آورده و محجبه شده، می‌گه: حجاب در زندگی من و حفظ امنیت من نقش بسیار بزرگی را ایفا نمود و من با پناه آوردن به حجاب، خود را در امنیت احساس می‌کنم.





مسئله شرعی اینا چیه؟

تذکر: لطفاً در جزئیات مسائل شرعی به مرجع تقلید خودتون مراجعه کنین.

چون فامیلیم، محرمیم دیگه؟

نظر مراجع تقلید: همین که کسی با کسی فامیل بود محرم حساب نمیشه، مثلاً پسرعمو و پسرخاله و پسرדایی و پسرعمه به خانوما نامحرم هستن.

همچنین شوهرعمه و شوهرخاله و شوهرخواهر و برادرشوهر هم به خانم‌ها نامحرم هستن. در نتیجه پوشوندن تمام موها و ساق دست جلوی اونا واجبه و دست دادن با اونا حرومه.



لباس تنگ و تحريك كننده؟

نظر مراجع تقلید: پوشیدن لباسهای تنگ و تحريك كننده‌ای که برجستگی‌های بدن زن، در اونا پیداست، جایز نیست و باید اونا رو با چادر یا مانتوی مناسب و گشاد بپوشونن.

چهره آرایش کرده؟

نظر مراجع تقلید: خانوما باید چهره آرایش کرده خودشون رو از نامحرم بپوشونن.

اگه شوهرم یا پدر و مادرم به من بگن بیرون آرایش کن؟

نظر مراجع تقلید: اگه مردی از زنش بخواد که وقتی از خونه بیرون میاد آرایش کنه، یا پدر و مادری این دستور رو به دخترشون بدن، اطاعت از اونا لازم نیست و نباید به حرفشون گوش کرد، چون این کار حرامه.

چادر نازك و بدن نما؟

نظر مراجع تقلید: استفاده از اینطور چادرا، جلوی نامحرم حرومه چون بدن و مو رو نمی پوشونه. مثل بعضی از چادرایی که تو مهمونی‌ها استفاده میشه.



حکم شرعی جوراب نازک و شیشه‌ای؟

نظر مراجع تقلید: جوراب‌ای نازک که پا از زیرش دیده می‌شود، حکم پوشش رو ندارد و خانوما نباید جلوی نامحرم اونا رو بیوشن، بلکه لازمه از جورابایی استفاده کنن که پا، نمایان نباشه.

و به **نظر اکثر مراجع تقلید:** پوشوندن ساق دست و میچ پا و روی پا واجبیه و همچنین بیرون بودن چند تار مو، دقیقاً مثل بیرون بودن مقدار زیاد موها، حرومه.





این چیه رو سرت گذاشتی؟

سهیلا آرین؛ در هشت سالگی از ایران رفت. در آمریکا فارغ التحصیل رشته مامایی از دانشگاه USC شد.

اون توی آمریکا زندگی می‌کرد و به خاطر زیبایی و ثروتش، همیشه زبانزد اطرافیانش بود و تو زندگی چیزی کم نداشت. يك روز عصر حادثه‌ای بزرگ در زندگی سهیلا اتفاق افتاد. وقتی که برای ورزش روزانه، سرِ کمد نوارهایش رفت و ناخواسته، نوار یکی از دوستای شوهرش رو برداشت تا در حین پیاده‌روی گوش بکند، نوار مذهبی با نوار موسیقی اشتباه شده بود.

ایشون تعریف می‌کرد: احساس کردم مردی صحبت می‌کنه، اما چیزی متوجه نمی‌شدم تا اینکه به آیه‌ای رسید که خداوند می‌گفت: فکر نکن همه اینهایی که داری، مالِ خودته، همه از قدرت منه!



در همون محل ورزش دو ساعت گریه می‌کردم و توان بازگشت به منزل رو نداشتم... . زندگیم مثل يك سفره بود، يك سفره منیت که همه چیز روش چیده شده بود و همه‌ش شیشه‌ای بود. خدا با يك جمله، این سفره رو تکوند و همه چیز شکست. زندگیم به هم ریخت و مثل سفره‌ای تکونده شد.

تو تموم زندگیم دویدم برای برتری دنیایی، برای رسیدن به هیچ. دلم از این می‌سوزه که برای اینکه ربّ و پروردگارم رو پیدا کنم هیچ ندویدم... من چیزی نداشتم به غیر از همین نماز که معنیش رو هم نمی‌فهمیدم. ولی تنها باند اتصالم با خدا همین بود. وقتی حجاب رو انتخاب کردم خیلی برام سخت بود. این اسماعیل بزرگ من بود، ذبحش کردم با کمک خدا... احساس کردم صاحب دارم، یه کسی داره منو نگاه می‌کنه و اون بالا داره به ملائکش میگه: ببینین! این سهیلاست. برای منه‌ها!... دوست دارم در مقابل این همه نعمت‌هایی که خدا بهم داده اقلاً بندگیش رو بکنم. چون واقعاً تا لحظه‌ای که من اون نوار رو شنیدم، فهمیدم زندگی نکردم. زندگی نکردم چون بندگی نکردم...

من با حجاب، باید به آمریکا بر می‌گشتم. به خانواده‌ای که کیف دو هزار دلاری همیشه توی دست من بود. لباسم مارك «شانل» بود. کفشم، کیفم «لویی وتن» بود. این بود زندگی من و حالا باید با حجاب بر می‌گشتم توی این خانواده. با کمال پرویی و افتخار.



من هیچ احساس محدودیتی نمی‌کنم. با انتخاب حجاب، احساس می‌کنم که یک قدم از زمین بالاتر رفتم. یه روز توی آمریکا، دفعه اولی که با حجاب برگشتم، دوستانم اومده بودن دیدن ما. وقتی سینی نوشیدنی رو به یکی از دوستانم تعارف می‌کردم، در حضور چندین نفر به من گفت: نمی‌خورم سهیلا. سینی رو پس زد و گفت: این چیه رو سرت گذاشتی؟ و من در همون لحظه سینی رو گذاشتم روی میز، دستم ناخودآگاه رفت رو سرم و گفتم: اینومیگی؟ این تاج بندگی منه، این حجاب منه... تاج بندگی من، به عنوان یک زن شیعه مسلمان.^۱





گوه‌رهای آسمانی

چند سخن از پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام:

لباس اندام‌نما؟

امام صادق علیه‌السلام: در شأن زن مسلمان نیست که لباسی مانند روسری و پیراهن برتن کند که اندامش را نپوشاند.^۱

لباس تنگ و چسبان؟

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه‌اش، لباسش را جمع و فشرده کند و به بدنش بچسباند.^۲

۱- کافی، چاپ دارالحدیث، ج ۶، ص ۳۸۱

۲- فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۹



لباس نازک؟

امیرالمؤمنین علیه السلام: بر شما لازم است لباس ضخیم بپوشید، هر کسی که لباسش نازک شد، دینش نازک شد.^۱

بوی خوش؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله: هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود، پیوسته تا وقتی که به خانه برمی گردد مورد لعنت خواهد بود.^۲

فرشته‌ای از فرشتگان

امام علی علیه السلام: پاداش مجاهدی که در راه خدا به شهادت رسیده بیشتر از کسی نیست که با وجود توانایی بر گناه، عفت ورزیده [و از گناه خودداری کرده است]. بسیار نزدیک است که انسان عقیف، فرشته‌ای از فرشتگان الهی شود.^۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۷

۲- ثواب الاعمال، ترجمه انصاری، ص ۵۱

۳- نهج البلاغه، حکمت ۴۶۳





عنایت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ به یک زن محجّبه

یکی از علمای بزرگ برای این که به خدمت امام زمان برسه، چهل زیارت عاشورا رو در چهل جمعه تو یکی از مساجد مشهد خوند. ایشون میگه: در یکی از جمعه ها نوری رو دیدم که به طرفم اومد و رفت. من به دنبال اون نور رفتم تا اینکه وارد خونه‌ای شد. در زدم، وقتی در رو باز کردن، حضرت ولی عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ رو دیدم که کنار جنازه‌ای بودن که روی اون جنازه پارچه‌ی سفیدی کشیده شده بود.



در محضر اون حضرت خیلی گریه کردم (اشک شوق). امام فرمودن: چرا این گونه دنبال من می گردی و رنج ها را متحمل می شوی؟ مثل این زن باشید تا من دنبال شما بیایم.

بعد فرمودن: این بانویی است که در دوران بی حجابی (رضاخان پهلوی) چند سال از خانه بیرون نیامد، تا مبادا نامحرم او را ببیند. (در زمان رضاخان پهلوی، قانون منع حجاب وجود داشت و هیچ زنی نمی توانست با حجاب از خانه بیرون بیاید)^۱

محکم در راه حجاب

خانم «هنولا ناکاتا» که یک نویسنده ژاپنی و تازه مسلمونه، میگه: اسلام آوردن برای من یک آزمایش بسیار بزرگ بود.



همکارا و دوستا و نزدیکانم با من بدرفتاری می کردن و بهم ناسزا می گفتن و حتی با من قطع رابطه کردن. اما بعد یه مدّت، محکم بودنم در حفظ حجاب، باعث پیروزم بر همه این مشکلات شد و همه شون با من دوست شدن. تحمل من در برابر این آزمایش، باعث شد تا خدا همه اونا رو بهم برگردونه. خانم ناکاتا درباره احساسش از داشتن حجاب میگه:

با داشتن حجاب بود که من انسانیت و ارزش زنانگی خودم رو حس کردم. حجاب به من یاد میداد که از دسترس افراد مزاحم دور بمونم.

۱- در محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۳، ص ۲۴۷



امروزه، گرایشی روزافزون به حجاب دیده میشه به‌ویژه در بین جوونا، که این نشونه رشد اسلامه. من تا زنده‌ام، برای اسلام و حجاب تبلیغ خواهم کرد، چون حجاب مایه آرامش و آسایش در جامعه هست.

اون همه تمسخر، برام خیلی سنگین بود

یادمه به سن تکلیف رسیده بودم. نمازم رو می‌خوندم، اما مامانم نه میداشت روزه بگیرم نه مفهوم حجاب رو یادم داده بود! تا کلاس پنجم با نامحرم هم دست میدادم، موهام رو هم نمی‌پوشوندم! چون اصلاً نمی‌دونستم این کارا گناهه. تا اینکه خدا لطف کرد و من دوره راهنمایی رو رفتم به يك مدرسه مذهبی. تو دوره راهنمایی، من واقعاً راهنمایی شدم. معلما و مربیای اونجا مفهوم واقعی دین رو بهم یاد دادن. برای مدرسه چادر الزامی بود. خانواده‌ام خیلی مخالفت کردن، حتی می‌خواستن به خاطر چادر مدرسه‌ام رو عوض کنن، اما من اینقد چادر رو دوست داشتم که کلی التماس کردم که اجازه بدن اونجا بمونم و چادر سرم کنم.



حس عجیبی به چادر داشتم، حس می‌کردم بزرگ شدم. از همون دوران بود که تازه داشتم مؤمن بودن رو لمس می‌کردم، تو مدرسه‌مون آموزش مفاهیم دینی، با دلیل و مدرک بود که من با اون سن و سال هم می‌تونستم باورشون کنم. از نظر درسی هم همیشه جزء شاگهدای



ممتاز بودم و همین باعث شد دید خانواده‌م نسبت به من عوض بشه. هرچند توان سه سال، بیرون مدرسه کلی مسخره‌ام می‌کردن. خانواده‌م برای بیرون مدرسه، بهم اجازه نمی‌دادن چادر سرم کنم. هم خانواده‌م هم فامیلام کلی نیش و کنایه بارم می‌کردن. توان سن و سال اون همه تمسخر واسه رعایت مسائل دینی، برام خیلی سنگین بود! بعضی وقتها اشکم رو در می‌آوردن، می‌گفتن: این چیه انداختی سرت، اگه چادر سرت باشه حق نداری با ما بیرون بیای!

کم کم رفتارم روی خواهرای کوچیکترم که پوششم رو می‌دیدن هم اثر گذاشت و اونها هم خواستن چادری بشن. اونها هم اوایل، شدیداً از طریق خانواده سرزنش شدن، اما کم‌کم برخورد اادی شد. خلاصه بعد از چند سال، مامان و بابام هم به درست بودن کارمون پی بردن و بهمون افتخار کردن! دوره دبیرستان و دانشگاه با اینکه بعضیا چادر رو کنار میذاشتن، اما ما سه تا خواهر، با افتخار بیشتری چادرمون رو حفظ کردیم. هرچند هیچ وقت از نیش و کنایه‌ها و مسخره کردنای بعضی همکلاسی‌ها در امان نبودیم، اما ارزشش رو داشت و داره!

بالاخره بندگی و عاشقی که فقط به حرف نیست، باید واسه عشقت سختی بکشی، حرف و نیش و کنایه بشنوی، مگه سختی‌های ما از سختی‌های حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام و شهدای کربلا بیشتره؟^۱

۱- وبلاگ (من، چادرم، خاطره‌ها) خاطره شصت و پنجم



مقنعه‌ام فرق سرم بود

تو دبیرستان جزو اولین نفرایی بودم که ابروهامو برداشتم... وقتی میرفتم مدرسه، یه ته آرایش هم داشتم. اهل آرایش نبودم. فقط یه کم ته آرایش بود. موهام که همیشه بیرون بود، یعنی مقنعه‌ام فرق سرم بود.

یادمه وقتی برای جشن فارغ التحصیلی با صورت آرایش کرده و مانتوی کوتاه (یه کم پایین تراز کمر) رفته بودم مدرسه، یکی از مسئولین مدرسه شاکی شده بود که چرا من با این وضع اومدم.

تو مدرسه تیزهوشان درس میخوندم، برای همین همه ازم توقع داشتن که تو یک دانشگاه خوب یا یک رشته خوب قبول بشم. منم رتبه کنکورم بد شد و بخاطر توقعی که ازم بود موندم برای سال بعد. البته این توقع فقط خارجی نبود و خودم هم شامل متوقعین بودم.

سال پشت کنکور، رفتم یه آموزشگاه تا از فضای درس زیاد فاصله بگیرم. دو تا از اساتید مرد اون آموزشگاه، کلی خاطرخواه توی آموزشگاه داشتن. یعنی بچه‌ها دوستشون داشتن.



روزهای اول با حالت عادیِ خودم می‌رفتم. مانتوی تنگ، ته آرایش، موهامم که بیرون. بعد یه مدت فهمیدم بعضی از دخترای اونجا آرایش می‌کنن تا خودشون رو به استاد نشون بدن و استاد از قیافه‌شون خوشش بیاد. حالم از هرچی آرایش جلوی نامحرم، به هم خورد. هنوزم که هنوزه حالم به هم میخوره. من ظاهرم هرجوری بود، برای زیبا بودنِ خودم بود نه برای جلب توجه کردن. حالم از جلب توجه کردن، اونم برای دوتا مردی که زن دارن به هم خورد. با خودم فکر کردم، وقتی عده‌ای برای جلب توجه آرایش می‌کنن، یعنی آرایش ابزاری برای جذب نامحرمه. حالا اگه کسی پیدا بشه و قصدش جذب نامحرم نباشه ولی از ابزار جذب نامحرم استفاده کنه، ناخواسته به اون مقصد شوم رسیده. برای همین آرایش رو برای همیشه گذاشتم کنار.^۱

نصف موهام از جلو بیرون بود و نصفش از پشت سر

توی دوران مدرسه بعضی وقتا واسه تنوع، چادر سرم می‌کردم ولی واسه مدرسه سختم بود.

البته همیشه پوششم طوری بود که مانتوی گشاد می‌پوشیدم و موهامو تو می‌گذاشتم، تا اینکه ۱۹ سالم شد و دائم اومد دنبالم و من رو برد شمال خونه‌شون، بچه‌های داییم زیاد با حجاب میونه‌ای نداشتن، واسه همین، جوّاونا، رو من تأثیر بدی گذاشت. داییم همه‌ش میگفت: خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو.

۱- وبلاگ (من، چادرم، خاطره‌ها)



تا اینکه داداشم اومد دنبالم و برگشتم به شهر خودمون، اونم با چه تیپی. یه مانتوی تنگ با یه روسری کوچک، نصف موهام از جلویرونی بود و نصفش از پشت سر. بابام منو با اون تیپ دید ولی چیزی نگفت، یه هفته تو شهر خودمون اینجوری گشتم. یه بار از یه مرد که همسن بابام بود متلک شنیدم و خیلی ناراحت شدم. یک روز دوستانم گفتن که می‌خوان برن اعتکاف، به منم پیشنهاد دادن. منم گفتم: من کجا و اعتکاف کجا. اسمم رو ننوشتیم، یکی از دوستانم که اسمشو نوشته بود براش اتفاقی پیش اومد و کارتش رو داد به من، منم به بابام گفتم. بابام اجازه نداد. منم اصرار کردم که برم ولی اصرارم بی نتیجه بود و بابام قبول نکرد.

شب‌ی که همه دوستانم رفتن، ما داشتیم شام می‌خوردیم که تو اخبار گفت: جمعی از معتکفین وارد مساجد شدن. من گریه‌ام گرفت. بابام هم که اشکامو دید، گفت: پاشو، حاضر شو تا ببرمت و گفت: ولی می‌خوای با اون تیپ بری؟ تازه فهمیدم که چرا بابام مخالفت می‌کرد. پا شدم، حاضر شدم و چادرم رو سرم کردم و گفتم بریم. بالاخره رفتم اعتکاف.

دومین روز بود که داشتیم زیارت عاشورا می‌خوندیم که حال و هوام عوض شد. داشتیم عنایت امام حسین علیه السلام رو احساس می‌کردم. اون زیارت عاشورا واسم یه زیارت عادی نبود.





از اعتکاف که برگشتم، دیگه چادرم روزمین نداشتم.

از طرف خانواده بابام مشکلی نداشتم ولی از طرف خانواده مامانم خیلی مسخره شدم و هیچی نگفتم و مصمم تر شدم که حجابم رواز هر لحاظی رعایت کنم. تا اینکه بابام رواز دست دادم و مجبور شدیم بریم شمال، پیش خانواده داییم، اینجوری بیشتر عذاب می کشیدم.

اما بعد از شش ماه به خاطر حجابم، بایه پسر ازدواج کردم که خانواده اونا هم مذهبی هستن اما چادری نبودن. همون روز اول شوهرم به من گفت: من تورو چادری دیدمت و انتخابت کردم و می خوام همیشه اینجوری باشی.

حالا چندین ساله که با اشتیاق چادر سرم می کنم و تا حالا اونوزمین نداشتم. حتی محیط دانشگاه هم روم تأثیری نداشت. نظرم اینه که چرا من باید خودمو هم رنگ بعضیا بکنم؟ بهتره اونا به خاطر خدا خودشونو هم رنگ الگویی کنن که خدا برای همه زنهای عالم پسندیده که ایشون حضرت فاطمه علیها السلام هستن.^۱

۱- وبلاگ (من، چادرم، خاطره ها)





خواهرم؛ در پایان از شما می‌خوام درباره آنچه توی این کتاب نوشته شده فکر کنی و درباره این نکته بیشتر دقت کنی که دنیا فانیه و جوونی و جلوه‌هاش به سرعت می‌گذره. چه بسیار پری‌رویانی که سر از دواج با اونا رقابت‌ها بوده، اما سالهای ساله که اون چهره‌های زیبا زیر خاک هستن و چه بسا جزم‌مشتی استخوان از اونا چیزی نمونده باشه و آنچه که از شون باقی مونده، فقط عمل اونا و چگونه استفاده کردن شون از نعمت زیبایی و سلامتی.

یادته وقتی میرفتیم دبستان، چه ذوق و شوقی داشتیم؟ توی روزهای جشن و عیدها، بچه‌های هر کلاس، کلاس خودشون رو آذین می‌بستن. تو کلاس، هر کسی جایی برای خودش داشت، یکی به اون یکی می‌گفت: جای من کنار پنجره‌ست و منظره باغچه حیاط رو می‌بینم، اون یکی پُز می‌داد که نزدیکترین نیمکت به معلم، مال منه و ... اما سالهای ساله که دیگه ما دانش‌آموزای اون کلاس و اون مدرسه نیستیم و نه نیمکتی داریم و نه کلاسی، و تنها اون چه از ما باقی مونده پرونده‌ها و نمره‌های ماست.

زیبایی، جوونی، مورد توجه بودن و همه جذابیت‌های دنیا به سرعت می‌گذره و فقط نمره هر کسی تو مدرسه دنیا و اعمال هر کسی از بازار دنیا تو پرونده‌ش باقی می‌مونه. گفتم بازار، یاد این سخن زیبا افتادم که



امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: دنیا بازاریست که بعضی در آن سود می‌برند و گروهی زیان.^۱

آره؛ این واقعیت رو همیشه رد کرد که دنیا بازاریه که هر روز یه عده واردش میشن و عده‌ای ازش خارج میشن. یه عده با سرمایه عمرشون بهترین کالاها که علم و عمل و رضای خدایه رو از این بازار میخرن و با دست پُرازش خارج میشن. عده‌ای هم سرمایه‌هاشون رو از دست میدن و با دست خالی از این بازار بیرون میرن. پس همونطور که هنگام خرید پارچه، وقتی دوتا پارچه رو بهت نشون میدن، اونهارو با هم مقایسه می‌کنی و ویژگی‌های هر کدوم رو در نظر می‌گیری و در نهایت هر کدوم که مناسب‌تر بود رو برمی‌داری، در بین کارا هم باید این مقایسه رو انجام بدی و هر کدوم سودمندتر هست، اون رو انتخاب کنی.^۲

ضمناً خوشحال میشیم که اگه انتقاد یا پیشنهادی یا خاطره‌ای درباره حجاب دارین برامون به ایمیل golposh20@gmail.com یا به سامانه پیامکی به شماره پیامک کنین.



۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۶

۲- برگرفته از کتاب نامه ای به خواهرم، ص ۴۴





توجه؛ کارگاهی جذاب با حضور همه فکرها

خوبه بدونین مجموعه ما، کارگاهی ۹۰ دقیقه‌ای روهم، درباره حجاب برگزار می‌کنه. ویژگی مهم این کارگاه اینه که در فضایی آزاد با حضور نظرات مختلف (موافقین و مخالفین) برگزار میشه و همه میتونن نظراتشون رو بیان کنن.

فضای اجرای کارگاه، منطبق با جدیدترین روش‌های روز دنیاست. این کارگاه با پاورپوینت و کلیپ‌های مختلف و در چند مرحله اجرا میشه که در ابتدای هر مرحله، مطلبی مطرح و نظرات همه گرفته میشه. کسانی که علاقه مند به اجرای این کارگاه در مدرسه یا مجموعه خودشون هستن، میتونن با مجموعه ما که مشخصاتمون در شناسنامه کتاب به عنوان مرکزپخش اومده، تماس داشته باشن.



اکثر مطالب این کارگاه با کتاب گلپوش مشترکه.
تعدادی از نظرای افرادی که تو کارگاه گلپوش شرکت کردن رومی تونین
پایین بینین:

بله ☒ مدوداً درصد توضیح: از این به بعد لباس های تنگ نمی پوشم

از این به بعد لباس های تنگ نمی پوشم

بله ☒ مدوداً درصد توضیح: من نمیدونستم مردان تحرک میشوند بای حجابی خانوم ها

من نمیدونستم مردان تحرک میشوند بای حجابی خانوم ها

بله ☒ مدوداً درصد توضیح: من مدتی بود که دلم می خواست مانتویی باشم اما الان نظرم
خیر ☐ توضیح: الان تلاش میکنم به حجاب خودم ادامه بدم

من مدتی بود که دلم می خواست مانتویی باشم اما الان نظرم
عوض شد و به حجاب خودم ادامه می دهم



بله ☒ محدوداً در صد توضیح: چون من تا چند روز پیش چادر می پوشیدم ولی
خیر ☐ توضیح: اصلاً از چادر می پوشیدم ولی حالا از چادر خوشم می آید

چون من تا چند روز پیش چادر می پوشیدم ولی اصلاً از چادر
خوشم نمی آمد ولی حالا از چادر خوشم می آید

بله ☒ محدوداً در صد توضیح: فهمیدم که مردان خیلی پیچیده هستند و ما زنان باید خیلی
خیر ☐ توضیح: زمان باید خیلی مراقب پوشش خود شویم و حتی
انتقادات و پیشنهادات: وقتی که ما اصلاً فکرش را هم نمی کنیم و به نظرمان پوششمان خوب است
مردان و حتی من دوست ندارم که موجب تحریک مردی شوم
ادامه در پشت برگه ☐

فهمیدم که مردان خیلی پیچیده هستند و ما زنان باید خیلی
مراقب پوشش خود شویم و حتی وقتی که ما اصلاً فکرش را هم
نمی کنیم و به نظرمان پوششمان خوب است مردان تحریک
می شوند و من دوست ندارم که موجب تحریک مردی شوم

بله ☒ محدوداً در صد توضیح: خیلی خوب است حالا می دونم باید خودم رو بیشتر
خیر ☐ توضیح: قبلاً می دونم بخون حالا می دونم بیشتر این کارها
انتقادات و پیشنهادات: تیزشون که افکاری می گذرد

خیلی خوب است حالا می دونم باید خودم رو بیشتر پوشونم
چون حالا می دونم پشت این نگاه های تیزشون چه افکاری
می گذرد



بله ☒ مدوداً درصد توضیح: کارهایی که از نظر من اشکالی نداشته
خیر ☐ توضیح:
انتقادات و پیشنهادات: حال فهمیدم که برای جامعه مضربود قتلا
تنگی شلوارم

کارهایی که از نظر من اشکالی نداشته، حال فهمیدم که
برای جامعه مضربوده مثلاً تنگی شلوارم

بله ☒ مدوداً درصد توضیح: باعث شد از این به بعد چادر سرم کنم
خیر ☐ توضیح:

باعث شد از این به بعد چادر سرم کنم

بله ☒ مدوداً درصد توضیح: خیلی متحول شدم عالی بود
خیر ☐ توضیح:
انتقادات و پیشنهادات: قرار گذاشتم با خودم با چادر برم بیرون

خیلی متحول شدم عالی بود
قرار گذاشتم با خودم با چادر برم بیرون

توضیح: زیرا به سوال های که تو ذهنم بود پاسخ داده شد

زیرا به سوال هایی که تو ذهنم بود پاسخ داده شد

بله ☒ مدوداً درصد توضیح: فکر می کردم که چادر هیچ ارزش ندارد اما حالا
خیر ☐ توضیح: فکر می کردم عوض شد

فکر می کردم که چادر هیچ ارزشی ندارد اما حالا فکر می عوض شد



بله ☒ مدوداً در صد توضیح: من شک داشتم که سال جدید چادر پیوشم یا نه
خیر ☐ توضیح: این کلاس به من فرمودند که چادر بهترین حجاب است

من شک داشتم که سال جدید چادر پیوشم یا نه این کلاس به من
فهموند که چادر بهترین حجاب است

بله ☐ مدوداً ۹۰ درصد توضیح: هشتم از لحاظ اینکه شوهرم واسه منم بهم
خیر ☐ توضیح: اعتراض می کرد مشکل داشتم الان حرفشو برام منطقی است

همیشه از لحاظ اینکه شوهرم واسه منم بهم اعتراض می کرد
مشکل داشتم الان حرفشو برام منطقی است

لطفاً در صورت پاسخ (بله)، میزان و توضیح آن و در صورت پاسخ (خیر)، دلیل آن را بیان فرمایید.
بله ☒ مدوداً ۱۰۰ درصد توضیح: چون من موهایم قبلاً بیرون بوده ولی الان
خیر ☐ توضیح: من خجسته بدم تو

چون من موهایم قبلاً بیرون بوده ولی الان می خواهم بدم تو

بله ☒ مدوداً ۱۰۰ درصد توضیح: من قبلاً آرایش می کردم اما حالا به این تشبه رسیدم
خیر ☐ توضیح: که می بینم روی شوهرم و من را تشبه می کند
انتقادات و پیشنهادات: که می بینم روی شوهرم و من را تشبه می کند
اگر من آرایش نکنم شوهرم بهتره و این زیباتر می دونه

من قبلاً آرایش می کردم اما حالا به این نتیجه رسیدم که حجاب من
روی شوهرم و زندگی خودم بیشترین تاثیر را دارد و این اشتباهی است
که می گفتم اگه آرایش نکنم شوهرم بقیه رواج من زیباتر می دونه

